



مؤسسه انتشارات و چاپ ایران - تهران

ارگان کمیته خارج از کشور

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

سال سوم نیمه اول شهریور ۱۳۶۸



جلاد ننگت باد! دهم شهر پور ماه سالروز کشتار زندانیان سیاسی

اعلامیه کمیته مرکزی

در صفحه ۲

بیدار شو، نوبت توست

۴۴ روز پس از ترور جنا بیگانه را نه دکتر قاسملو و همراهاش دروین توسط تروریست های جمهوری اسلامی، روز شنبه ۲۶ اوت در "لارناکا" شهر بندری قبرس بهمین جوادی معروف به غلام کشتار و زبیکسی از مسئولین حزب کمونیست ایران در خارج از کشور ۹ ساعت ۹ عصر در حالیکه همراه مادر او فرادی چند از خانواده اش بطرف هتل محل اقامت خود میرفت، بمب حمله دوتن از تروریست های حرفه ای رژیم ترار گرفت و پس از چند ساعت در بیمارستان شهیدشد، یکی از همراهان وی نیز بشدت زخمی شد که حالش چندان رضا بخش نیست!

در صفحه ۲

در این شماره

- راهپیمایی فرانکفورت
- در اعتراض به ترور غلام کشاورز
- تحولات جدید در لهستان
- بوریس یلتزین، فراکسیون رادیکالها را معرفی می کند
- حفظ محیط زیست:
- برای نجات سیاره زمین

پای صحبت پرویز قلیچ خانی

در صفحه ۶

تظاهرات وسیع در تهران

اطلاعیه مطبوعاتی

حکومت اسلامی تظاهرات روز شهدا را در تهران سرکوب کرد

بمناسبت ۱۰ شهریور سالروز آغاز کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷، تظاهرات وسیعی در تهران از جانب خانواده شهدا و زندانیان سیاسی ایران برگزار گردید. شبیه جمعیت کد از تهران و شهرستانهای مختلف برای این مراسم در گورستان خاوران گرد آمده بودند برای تحن در دادگستری سمت مرکز شهر راهپیمایی کردند. مزدوران مسلح حکومت اسلامی در فاصله بین گورستان خاوران و محله انزلی به راهپیمایان حمله کرده و به ضرب و شتم آنها پرداختند و حدود چند نفر را دستگیر نموده به شکنجه گاه ها کشتادند. که تا این تاریخ از سرنوشت آنها اطلاعی در دست نیست.

سرکوب حرکت خانواده های شهدا و اسرای سیاسی چهره بلید حکومت اسلامی را بیش از هر زمان عریان کرد و سندن زنده دیگری از نقض هر گونه حقوق انسانی را در ایران بنمایش گذارد. ما از همه مردم آزادیخواه و نیروهای مترقی و مجامع بین المللی می خواهیم که تا با حمایت قاطع از حقوق مردم و زندانیان سیاسی ایران ضمن اعتراض به سرکوب اخیر خواستار آزادی فوری دستگیرشدگان این تظاهرات شوند.

روابط عمومی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۱۳ شهریور ماه ۱۳۶۸

۴ سپتامبر ۱۹۸۹

در صفحه ۳

ماراتحویل خواهند داد

استرداد، جان ۸۰۰ بنهائنده ایرانی را در ترکیه شهیدید می کند!

علیه اعدام و شکنجه و برای نجات جان زندانیان سیاسی بپا خیزیم!

از صفحه ۱

بیدار شو

نوبت توست!

خبر خیلی روشن و ساده است. در طول یکماه و اندی اپوزیسیون مبارز کشورمان سه تن از رهبران و فعالین برجسته خود را از دست داده است، بدون اینکه قدامی واقعا جدی و بیگیرانه در مقابل ما نقشه های شوم رژیم انجام داده باشد.

ما قبلا نیز بارها هشدار دادیم که تا کی... جان نشینان خمینی برفتوای قتل سلمان رشیدی اسم مرتدا و متشدید سیاست تروریسم دولتی ادا می دهندگان راه خمینی خواهد بود. از این روشی سز سازمانهای انقلابی، مترقی، رهبران آنها و شخصیت های اپوزیسیون مترقی را بعنوان مدافعان آزادی دعوت کردیم، تا با ایجاد کمیته های ضد تروریسم رژیم، اقدامات و تدابیر جدی مقابل ما را مشترکا اتخاذ نکنیم. تروریسم دولتی ها رژیم اسلامی بیسن این یا آن مخالف خودتفاوتی قائل نخواهد شد، اگر حیات و فعالیت او را مضر رژیم تکلیت با رخسوده بداند. مقابل ما آن نزننه تنها وظیفه این یا آن جریان سیاسی، بلکه برعهده همه طرفداران آزادی و اپوزیسیون رژیم است. روشن است که در این میان نیروهای انقلابی بعنوان مدافعان پیگیر آزادی و تحول انقلابی بفتح مردم شتمدیده کشورمان وظیفه سنگینتری را برعهده دارند. نباید اجازه داد، همچنان که در اقدامات ضد جنگ، حمایت از زندانیان سیاسی و مقابل ما قتل عام انسان ها هدیدیم، گرایشات فرقه ای محدودکننده ها منته اقدامات دفاعی، خود را در مقابل تروریسم جمهوری اسلامی نیز تحمیل کنند. رژیم همزمان با تصمیم به تصفیه کامل زندانیان از انقلابیون و رهبران طبیعی جنبش، سیاست تصفیه رهبران آن در خارج از کشور را نیز اتخاذ کرده است. تازه ترین جنایت تروریستی در قبرس علیه اپوزیسیون در خارج درست در آستانه سالگرد آغاز قتل عام جمعی دهها هزار زندانی سیاسی در دهم شهریور سال قبل صورت می پذیرد. قتل عام زندانیان در داخل کشور و تروریسم رهبران و فعالین سازمانهای سیاسی در خارج سیاست بهیم بیوسته ای هستند که رژیم برای نابودی و از بین بردن نیروهای مخالف خود در پیش گرفته است. قتل عام جوانان و تروریسم رژیم تنها زمانی قطع خواهد شد که ترا سرنگون سازیم، ما قبل از آن نیز سزا سزا مانده ای مقاومت توده ای و وارد کردن ضربه به آن در داخل و اقدامات دفاعی گسترده و افشاگرانه در خارج، میتوان ابعاد تعرض فزاینده ای او را محدود کرد. راه مقابل جدی و مسئولانه با رژیم همچنان که در داخل، در خارج نیز در درجه اول به همکاری نیروها و عناصر هوادار آزادی و رهائی پیگیری استگی دارد. باید با ایجاد یک کارزار وسیع، جلب همکاری توده پناهنگان و مهاجرین ایرانی و همبستگی مردم و نیروهای هوادار



اعلامیه کمیته مرکزی بمناسبت

سالگرد آغاز قتل عام زندانیان سیاسی

یک سال از آغاز قتل عام بیسابقه زندانیان سیاسی در ایران میگذرد. هنوز یک ماه از بار عام خمینی جلاد به قتل معتمدی و صدور فرمان قتل عام زندانیان سیاسی تا دهنه فجر حکومت اسلام نگذشته بود که هجوم متولیان کار کشتن قتل و جنایت به زندانیان آغاز شد. جنون خونریزی تنها دیگر تاب کنترل از آنها ربوده بود. هرکس اسلام نیاید و ولایت فقیه را نپذیرد، انجمنی است. هرکس جبین نساید و آزادگی و خوشترش را به حراج بازار قتلان نهد، انجمنی است. هرکس در انگار عموم توبه نکند و در نمایش عمومی سیمای جمهوری اسلامی، به پای تعال امام، فحجه نزنند و استغفار نکند، انجمنی است.

اما به هر زندان، به هر کام شرف و آبروی انسان، آزادگانی بودند انبوه انبوه، که مری به یک دستشان عشق بود و به یک دستشان جان. این آزادگان و این در خشانترین نمونه های رمزنگی و آرمانخواهی انسان که هرگز سر سازش یا مغفورترین دشمنان مردشان نبود، جان را بدانند تا مشتشان به زندگانی برتر و به رهائی و سروری لگد کوب شکنان جاودانه بماند.

انعام هر زندانی سیاسی، خانوادهای را به جوش آورد؛ صفی سترگ و طولانی از دانشمندان شیون ساخت که قفا را در اجزای کامل نقضی شوشان به تزدید و عقب نشینی واداشت. انعام ها متوقف شد اما، ناغ دل داغداران تازه خورده از ستم سرمایه و فقه، نه سرد شده است و نه سرد خواهد شد، همانگونه که هر چند امام جلالان و فرمانده اصلی این قتل عام، گرد و والی دیگر، سند رهبری قتلان را گرفت اما ادبار و تیره روزی و گشتار و سرکوب و خشایه نه کم شده است و نه کم خواهد شد.

دست نگار باید شد. هنوز بسیاری دلاورانی در زندانها که قفا از وحشت خیزش مردم، از امیدشان برهیز میکنند. هنوز لیبی تیز ساطور و هنوز تازیانه بلند شکنجه بر فراز سر زندانیان بی دفاع در زندانهای سراسر کشور سایه افکنده است. حرمت یاد آن عزیزان و دلاوران جان نانه، و نیز لزوم همسرانی سرود آزادی زندانیان سیاسی، اجتناب میکند که از هر طریق ممکن به دفاع یک پارچه و سراسری از آنها برخیزیم و آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی را به فریادی مشترک و همگانی بدل سازیم! خانوادهای شما و زندانیان سیاسی!

ای دانشمندان استبداد سباه رژیم جمهوری اسلامی! با همه توان خود به انشای جنایات علمی که بر شما رفت، برخیزید. صفوف خود را تشدید سازید، مراسم بزرگداشت عزیزان از دست رفته را هر چه با شکوه تر برگزار کنید، از هیبت استبدادی تان در پشت صف پر شوکت عزیزان انعام شده، ارکان استبداد به لرزه در خواهد آمد!

کارگران، زمینگشان و مردم آزاده ایران!

از طریق هماهنگی تلاشهای خود، جنبش عمومی دفاع از زندانیان سیاسی را به حرکت در آورید. همه مشتای گرد کرده باید متحفا بر دیوار سباه استبداد فرود آید، برای رهائی از زندان چلبی جمییری اسلامی، قدم بر همه باید درهای زندان ها کشیده شود و زندانی سیاسی آزاد گردد. سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، کلیه احزاب، سازمانها، گروهها، نهادهای بین المللی و شخصیت های آزادیخواه را فرامی خواند تا بر طریق ممکن به انشای این جنایت عظیم فد بشری اقدام نموده و کارزار گسترده ای برای دفاع از جان زندانیان سیاسی بر پا نازند.

کمیته مرکزی، سازمان کارگران انقلابی ایران (زانکارگر)

اول شهریور ۱۳۶۸

مزبور، بیوزها تریش و همچنین سوین که اخیرا دوتن از جاسوسان رژیم آزاد کرد، فشار آوریم.

ما با اظهارت صمیمی و همدردی با خانواده و رفقای غلامکش و رز، بدین وسیله فراخوان ۴۰ روزه پیش خود (بعناد ضرورت دکترا سلطو) را برای اقدامات مشترک دفاعی تکرار می کنیم. باید بیدار شد، فسراد نوبت توست!

با پیام کارگر همکاری کنید!

آزادی در کشورهای اروپائی، جایی که رژیم بیستادها از امکانات وسیع دیپلماتیک، ترورهای خود را سازمان میدهد، به دولت های غربی فشار آوریم تا محدودیت هایی برای مدور تروریسم ایجاد گردد. بر خوردی طرفنا شو و برخا معا مله گرات سسه دولتهای اروپائی با رژیم، او را در اقدامات خودجری ترمیکند. شاید بتوان به قوت گفت که اگر دولت اتریش تروریست های قاتل دکترا سلطو را آزاد نمیکرد، جنایت جدیدی اتفاق نمی افتاد. باید با طرح خواست تعطیل کردن مراکز تروریستی رژیم در خارج، تحریم اقتصادی و... و جلب نظر نیروهای مترقی در این کشورها به این شعارها، به دولتهای

ماراتحویل خواهند داد

عقوبین الملل :

۷ ایرانی بعد از اخراج از ترکیه

در ماکو اعدام شدند

عقوبین الملل در بیانییه بتاریخ ۲۵ ژوئیه ۸۹ اعلام کرد که دولت ترکیه یک گروه ۹ نفره از ایرانیانی که در ترکیه توسط کمیسیون ریای پناهندگان ملل متحد بعنوان پناهنده شناخته شده بودند را به پاسداران مرزی ایران در تاریخ ۲۶ یا ۲۷ نوامبر تحویل داد و از این میان ۷ نفر در ماکو کتیربسا ران شده و ۲ نفر دیگر در بازداشت بمر میبرند. عقوبین الملل ضمن اعلام این خبر و یادآوری اعلامیه قبلی خود در مورد بازگشت دادن این گروه، یکبار دیگر ترکیه را کشورنا امن برای ایرانیان نامیده است. ایسین جنایت حکومت فقها که به دستباری دولت جنایتکار ترکیه صورت میگیرد خطر مردامی را که در کمیسیون همه پناهندگان ایرانی مقیم ترکیه است هر چه بیشتر مورد تاخت و کید قرار میدهد. همه ایرانیان و نیروهای سیاسی وظیفه دارند که بیاری هوموطنان خود که بسنا برگزارش مندرج در همین شماره پیام کارگر مورد تهدید قرار دارند بر خیزند.

راهپیمائی فرانکفورت

در اعتراض به ترور غلام کشاورز

در اعتراض به ترور جنایتکارانه غلام کشاورز عضو حزب کمونیست ایران در لارناک پایتخت قبرس و به دعوت این حزب تظاهراتی روز شنبه اول سپتامبر در فرانکفورت برگزار گردید. تظاهرکنندگان، خمیسین از اقدام تروریستی رژیمتسا مقابل کنسولگری رژیم اسلامی فرانکفورت رفته و با فریاد مرگ بر رژیم تروریست، سونگون با جمهوری اسلامی ایران انزجار و کینه خود را نسبت به حکومت اسلامی نشان دادند. رفقای ما فعلا نه در ایسین تظاهرات شرکت کرده همراه با حمل پلاکاردها و شعارهای سازمان، اعلامیه کمیته مرکزی در محکومیت این ترور رایش کردند. در این تظاهرات نزدیک به ۱۰۰۰ نفر شرکت کردند.

مراسم چهلمین روز شهادت دکتر قاسملو

شنبه ۱۹ اوت مراسم بزرگداشت چهلمین روز شهادت دکتر عبدالرحمن قاسملو و قادی آذربایشرکت نمایندگنان وهواداران تعدادی دیگر از سازمانهای ایرانی و کرد عراقی برگزار گردید. ابراهیم احمد عضو هیئت سیاسی و منظر شافعی یکی از فعالین حزب، پیرامون شخصیت دکتر قاسملو سخنرانی کردند. یلک شاعر کرد تعدادی از اشعار خود را خواند که مورد استقبال جمعیت قرار گرفت. در بخش دوم مراسم بزرگداشت یلک فیلم ویدئویی از زندگی و مشقاتی که کردها با آن گریبانگیرند، نشان داده شد. در خلال برنامه ها، نمایندگان برخی از سازمانهای کرد عراقی و سازمانهای ایرانی پیامهای خود را به همین مناسبت خواندند.

متاسفانه به پیام سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) احوالندان و پیام یک جریان دمکراتیک تحت عنوان جمعی از ایرانیان مقیم انگلیس که ترور دکتر قاسملو و همراهش را محکوم کرده بودند، بدلیل اینکه مذاکره با جمهوری اسلامی را نیز توهم دانسته و آنرا مردود و محکوم شده بود نسند اجازه خوانده شدن، توسط گردانندگان مراسم داده نشد.

از ماههای قبل، مرتب اخبار وضعیت ناهنجار زندگی و شرایط امنیتی پناهندگان و آوارگان ایرانی در ترکیه را که تعداد آنان سر به صدها هزار میزند، برای اطلاع و هشدار به افکار عمومی سایر پناهندگان ایرانی در اروپا و آمریکا و در پیام کارگر درج کردیم، تا اینکه بتوان با اعتراض و فشار به مجامع بین المللی از گسترش ابعاد فاجعه جلوگیری کرد. حال متاسفانه فاجعه در حال رخ دادن است. اخبار موثق حاکی از قرار دادهای تحویل پناهندگان در ابعاد بسیار توده ای و گسترده است. سازمان ملل نیز در این میان با هر دو دولت در این زمینه در حال همکاری است! تنها امید به کارزار اعتراضی پناهندگان ایرانی در کشورهای اروپائی و بسیج افکار عمومی بشردوستان جهان بستگی پیدا کرده است. قتل عام زندانیان سیاسی، ترور فعالین سیاسی در خارج و تحویل گرفتن پناهندگان سیاسی سمخست متصل بهمنقشه ای جمهوری اسلامی برای نابودی و یا تضعیف ایوزیسیون است. باتمام توان در هر سه عرصه و در ارتباط با هم مقاومت و اعتراض را گسترش دهیم! نامه ای را که از ترکیه در این رابطه برای پیام کارگر ارسال شده است میخوانید.

نامه ای از ترکیه در مورد موقعیت بسیار خطرناک کنونی پناهندگان ایرانی

امامروز این شایعه تبدیل به تعیین شد، امروز صبح سازمان ملل به تمام دفاتر و قرارگاههای پلیس ترکیه تلفن کرده و گفته است: تا سه ماه دیگر هیچ پناهنده ای نباید در شهرها باقی بماند. حال معلوم نیست، پناهندگان سیاسی هم جزو این عده هستند یا نه. مثلاً در شهر کنیا حدود ۲۰۰۰ نفر دیگر هنوز که از طرف کشور کانادا قبول شده اند و حدود ۲۰۰۰ نفر دیگر هنوز مباحثه دوم را انجام داده اند و حدود ۲۵۰۰ نفر دیگر در سازمان ملل قبول شده اند ولی به هیئت داده نشده اند. مابقی که فکر کنم ۱۵ نفر باشند مردود شده اند. طبق شواهدی گفت سازمان ملل تمام پناهندگان را در بر میگیرد. در شهرهای دیگر نیز وضع به همین منوال است. حال با این اوضاع شاموع را از لحاظ روحی و وجودی خطر تحویل درک کنید که پناهندگان چه موقعیتی دارند.

تنها امیدی که در این بین است که رفقای باکم دیگر سازمانها و نهادهای دمکراتیک، در اروپا به کشورهای پناهنده پذیر و دفاتر سازمان ملل فشار آورده و این مسئله را در سطح وسیع مطرح کنند. اگر بتوانند آکسیونهایی در رابطه با وضع پناهندگان و خطر مستر نکردن آنها به جمهوری اسلامی توسط دولت ترکیه و مطرح کردن وضع اسفناک زندگی پناهندگان و حمایت از آنان راه بیندازند، بدانگونه بی تاثیر نخواهد بود.

بار دیگر یادآوری میکنم که تنها امید ما، شمار فقا و دیگر سازمانها و تشکلات انقلابی و دمکراتیک هستید. تقاضا داریم مارا در این امر مپیاری کنید.

... ترکیه

۸۹/۸/۸

تشکل های دمکراتیک در سوئد و هلند از پناهندگان ترکیه دفاع می کنند

موقت حمایت از آوارگان و پناهندگان ایرانی در ترکیه، ویژه میز کتاب گوتنبرگ ۳- جمعی از نیروهای سیاسی مترقی ایرانیان - هلند

فراخوان به اعصاب غذا در اعتراض به اخراج پناهندگان ایرانی در ترکیه اقدام بعدی کمیته موقت حمایت از آوارگان و پناهندگان ایرانی در ترکیه ویژه میز کتاب گوتنبرگ است که در تاریخ ۲۱ اوت خواهد شد.

به همین مناسبت و همزمان با سالگرد آغاز قتل عام زندانیان سیاسی در ایران و روز جهانی صلح کمیته دفاع از پناهندگان گوتنبرگ (آسیل کمیته)، کنسرتی را با دعوت از شوان هنرمند محبوب خلق کرد و خلقهای منطقه برگزار خواهد کرد. تسلا بدینوسیله، افکار عمومی را برای حمایت از پناهندگان و در دفاع از زندانیان سیاسی برانگیزد.

" باسلامهای گرم، رفقا بدون مقدمه در رابطه با وضعیت پناهندگان و دستور العمل اخیر سازمان ملل در رابطه با پناهندگان می نویسم "

از حدود آماه قبل شایع شده که حقوق پناهندگان مسرود، قطع میشود و بعد از یکماه در شهر کنیا شفر حقوقشان قطع شد. قبل از آن دستور العمل قطع حقوق، شوراها بی در شهرهای مختلف ترکیه تشکیل شد تا بتوانند حرکتی را در جهت کمک به حل مسئله پناهندگان و آوارگان انجام دهند. بعد از مدتی این شوراها در یک کنفرانس کمیته هماهنگی موقت شوراها پناهندگی ترکیه را تشکیل دادند که روی مسائل عام پناهندگان و حل آن مسائل حرکتی را انجام بدهند. تا حدودی نیز در بعضی موارد مثل باز شدن پرونده ها و به جریان انداختن و مطرح کردن مسائل در رابطه با آشکار کردن افکار عمومی ترکیه و خارج از ترکیه را شروع کردند.

کمیته هماهنگی فشار اصلی را روی مسئله تضمین امنیست پناهندگان و پذیرش پناهندگان و اعزام قبول شدگان گذاشت. این فعالیتها ادامه داشت تا اینکه دوهفته قبل، عده ای از پناهندگان عراقی را به عراق بازگرداندند و بعد معلوم شد که سازمان ملل با دولت عراق مذاکره کرده و با گرفتن تضمین از دولت عراق آنها را به کشورشان عودت داده است. در طی این دوهفته باز شایع شده که پناهندگان ایرانی خصوصاً ۹۰۰ کیس سربازی را شاید دیپورت کنند. این شایعه با درج همین خبر در روزنامه "بوگون" (امروز) قوت پیدا کرد. همین خبر را رادیو اسرانیل نیز طی گزارشی اعلام نمود.

پس انتشار اخبار بسیار نگران کننده در مورد شرایط امنیتی پناهندگان ایرانی در ترکیه که در این زمینه بیانییه ها، مطالبات و اعلامیه های کمیته موقت هماهنگی شوراها ترکیه بسیار موثر بوده اند (این مطالبات در پیام کارگر ۴۹ درج شده است) در شهرهای استکهلم و گوتنبرگ سوئد و همچنین در شهر آمستردام هلند، جمعیت ها و تشکل های دمکراتیک با انجام حرکتی به دفاع از پناهندگان ترکیه و به اعتراض به خطرات خلبانان ۸۰۰ پناهنده پرداختند. آنها با ترجمه اسناد منتشر شده اخیر در مورد وضعیت و خواستهای پناهندگان ایرانی در ترکیه و ارسال آنها به دفتر امنستی و صلیب سرخ جهانی اقدامات خود را آغاز کردند.

اسناد ترجمه و تنظیم شده امضاها زیر را با خود داشته اند:

۱- کمیته دفاع از پناهندگان ایرانی - استکهلم ۲- کمیته

حفظ محیط زیست :

برای نجات سیاره زمین

برای نجات بشریت



اهمیت حفظ محیط زیست از دست اندازیهایی

بشر دیگر بر همگان آشکار شده و مطالبات مربوط به آن در برنامهای همه احزاب و نیروهای سیاسی منعکس است. افزایش اهمیت مسائل محیط زیست جایگاهی اولویت های سیاسی را به همراه آورده و آغاز دوره ای را بنویسد که بشریت در کلیت خود به رویکردی محتاط تر، سنجیده تر و آگاهانه تر نسبت به طبیعت، قوانین و نیروهای آن خرمیکند جایگاهی اولویت های سیاسی که ناشی از شناخت اهمیت مسئله محیط زیست است یا بدین همراه خود یک سلسله تغییرات دنیا لدا را وجودی در همه زمینه های سیاسی فعالیت اقتصادی را ضروری کند که بعدا واقعیتی آنها هنوز کاملاً روشن نگشته اند، علاوه بر این به رسمیت شناختن اهمیت بهبود محیط زیست کنونی و حتی رویکردی سنجیده تر نسبت به آن، الزاماً به معنی اتخاذ سیاست پیگیرانه ای در قبال آن نیست. شناخت مسئله محیط زیست برای کمونیستها، تنها ارضاء یک کنجکاو طبیعتی در باره یسک موضوع جنگالی روز نیست، این شناخت قبل از همه ناشی از نیاز فاعلیت های عملی هر نیروی سیاسی جدی که ناگزیر با بدر قبال مسئله محیط زیست نیز اتخاذ موضع کند، است. از این رودر گزارش سیاسی به دو مین کنفرانس سازمان خارج از کشور، در مورد مسئله محیط زیست اینطور اظهار نظر شده است: "موضوع حفاظت از محیط زیست که روز بروز به موازات رشد آگاهی نسبت به اهمیت این مسئله در حیات بشریت مطرح می شود، یکی از مطالبات اساسی است که با اهمیت فدا مبریا لیستی و دمکراتیک خود اقشار وسیعی را به میدان میکشاند. مبارزه در این راه آنچنان تاثیراتی داشته که دولت های امپریالیستی که خود به بیشترین نقش را در تخریب محیط زیست دارند به تگای پووا داشته و بعضاً وادار به ارائه شعارهای عوام فریبانه کرده است. "براستی نیز ما امروزه نمیتوانیم بعنوان کمونیست به فعالیت سیاسی میادرت ورزید ما نسبت به شناخت یک قرن تخریب محیط زیست و تاثیرات سیاسی بلاواسطه آن بی اعتنا بود. کمونیستها در هر کشور با بدر مبارزه جنبش حفظ محیط زیست موضع روشن خود را داشته و به عنوان جز مهمی از آن بیکار نگینند. چنین بیکاری اما مستلزم درک علمی و روشن مسئله تبا هی محیط زیست است، زیرا بدون شناختن روندهایی که دست در دست هم، سیاره ما را به آنچنان بی ساما نسی کشانده اند که خطر تهدید حیات خطری واقعی شده است، نمیتوان موضع اصولی در قبال مسائل جنبش محیط زیست داشت و حتی در آن دخالت فاعلانه ای نمود.

تبا هی محیط زیست به چه معناست و روندهای اما سی این تبا هی کدا مند؟ پاسخ بد این سوال با تبا م پیچیدگی های ناگزیرش، نقطه شروع بحث ما ست. تبا هی محیط زیست به مفهوم علمی کلمه عبارت است از به هم خوردن تعادل سیستم های طبیعی و اکولوژیک کره زمین بخاطر دخالت انسان. این عدم تعادل، اما آن چیزی نیست که در طبیعت در بیک مقیاس معمول و عادی همواره رخ میدهد و سبب واکنش متنا سب و در هم تنیده سیستمها، دوباره عادی میشود. برعکس مقصود عدم تعالی غیر معمول، غیر طبیعی و تحمیلی است که توسط روندهای درونی سیستم های اکولوژیک نمیتوانند کنترل شده و بنابراین این سیستمها را به مرز فروپاشی میرانند. مثلاً همه میدانیم که کاهش رطوبت و افزایش گرمای هوا نمیتواند بطور طبیعی به خشکالی، کم شدن محصولات کشت و رزی، آتش سوزی جنگلها و عواقب مشابه دیگر منجر شود. این اما عدم شادالی است که توسط نیروهای طبیعت در بیک دور کوتاه یا بلند قابل کنترل بوده و با لاخره روزی با عادی شدن میزان رطوبت، گرمای با رندگی و... اوضاع به وضع معمول و از نظر اکولوژیک غیر بحرانی بازمیکردد. طوفانهای دریائی، گردبادهای موسمی اقیانوسها، طوفان رودخانه ها و... و... جملگی میتوانند به عنوان نمونه های مهم کنش و واکنش طبیعی سیستمها که از سبب تعادل به تعادل جدیدی دست می یابند معرفی شوند. ویژگی مهم پدیده های فوق و آن حد آنها را از عدم تعادل کنونی اکولوژی سیاره زمین متمایز میکند، این است که در روندهای فوق، دست نیروهای خارج از سیستم های طبیعی زمین بیکار نیست. کنش و واکنش در هم رفته نیروهای مختلف طبیعت میتوانند به طوفان، سیل، زلزله و... منجر شود و این مستقلاً از کارکرد عوامل خارجی - از جمله فعالیت های اقتصادی بشر - قابل تصوا ست.

تبا هی محیط زیست ناشی از دخالت عوامل خارجی در روندهای طبیعی - دخالتی زیان آور و تبا ه کننده - است. بنابراین تبا ی تصور نموده که حفظ نظافت عادی محیط کار روزندگی، لزوماً مترادف حفاظت از محیط زیست است. مسئله به این سادگی نیست. طوفانهای دریائی در سبب گلاش، خشکالی در آفریقا و جنگل سوزیهای وسیع در پنج قاره، هیچ ربطی به نظافت معمول و لازم در محیط زیست بشر ندارند اما همگی جز مهمترین مسائلی هستند که با تبا هی محیط زیست به معنی دقیق کلمه ارتباط داشته و تنها در بستر تلاشی همه جانبه و در مقیاس جهانی

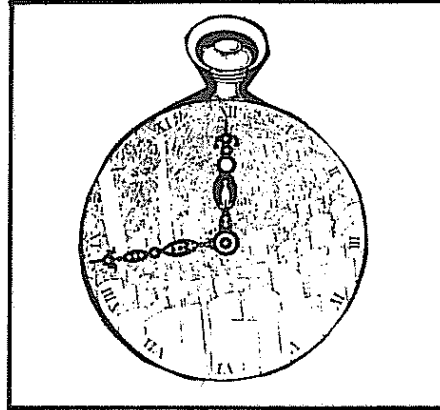
قابل حل می باشند. توجه به نکته فوق از اسن رو ضرورت دارد که امروزه نمیتوان و بنا بدیهه یک تلقی ساده و پیداشتی از مسئله محیط زیست اکتفا کرد. تبا هی کنونی محیط زیست در سیاره زمین، محصول نوعی از توسعه اجتماعی و صنعتی و بنا بر این اساس محصول مناسبات اجتماعی معینی بوده و، یسند با سخی سیاسی و نه فقط اکولوژیک بیا بد، زیست هیچ با سخی صرفاً اکولوژیک نمیتواند فاعلیت اقتصادی بشر را عمل اراده کند.

وقتی که از نوعی از توسعه اجتماعی و صنعتی سخن میگوئیم قبل از همه توسعه سرمایه دارانه صنعتی نسبتاً سریعی را مورد نظر داریم که بویژه در پنجاه سال گذشته، عامل اصلی بوجود آمدن وضع نگران کننده کنونی محیط زیست می باشد. افزایش سریع جمعیت زمین که با خود توسعه اقتصادی پر توانی را همراه کرده است، فشارهای سهمگینی به کلیه سیستمهای اکولوژیک زمین وارد نموده است. این فشار در شرایطی که توسعه اقتصادی به شیوه سرمایه دارانه تنها به کوتاه ترین و مطمئن ترین راه برای کسب سود می اندیشد، موجب شده است که جزمین، جنگلها و گیاهان، اقیانوسها و آبزیان، رودخانه ها و سایر آبهای سطح زمین، و... به نحو بیما بقه ای در معرض تغییراتی قرار بگیرند که به نقرض حیات باره ای از انواع و حتی حیات بطور کلی میتواند منجر شود.

توسعه صنعتی با اتکاء به استفاده عظیم از انرژی - بویژه انرژی گرمائی و با استفاده ناکارآمد از منابع طبیعی و با تولید حجمی عظیم آسما نند های (فضولات) صنعتی و خانگی، به جنگ پیشرفت اجتماعی، به جنگ ادا محبات بشر آمده است. افزایش غول آسای مصرف انرژی و رها شدن گازهای سمی به ویژه دی اکسید کربن CO₂، از نظر بسیاری از متخصصین، گرهی ترین مشکل اکولوژیک زمین است، زیرا با افزایش حجم گاز مژبورد رطبی ۸۰ سال گذشته (بسه مقدار تقریباً ۳۰٪) موجب افزایش درجه حرارت جو زمین شده است. اگر روند مژبورد کنترل نشود و بسسه نحوی پیش رود که در دهه هشتاد پیش رفته است - در این دهه ۹٪ به حجم گاز مژبورد رطبی افزوده شده است - آنگاه ما تنها با تغییراتی کمی - و بسو بسا خطرناک - در آب و هوای زمین روبرو نخواهیم شد، بلکه تا بدیدهای که ۶۰ میلیون سال پیش روی داد، دوباره تکرار شود: آب شدن یخهای قطبسی و نابودی دایناسورها، اما اینبار نابودی تمدن بشری - ادا مرونده کنونی گرم شدن آتمسفر زمین بویژه با سرعت فعلی، گرم شدن ناگزیر آب



سوخت فسیلی اما ساکاهش با فته است، هیچگونه علائمی از بهبودیما وجود ندارد، بلکه برعکس همه چیز شدت یا فتن بیماری دلالت میکند!



تصویری که تاکنون طرح نمودیم بخوبی روشن میکند که مدلهای کنونی توسعه صنعتی - یعنی مدل سرمایه دارانه و به تبع و در رقابت با آن مدل کنونی سوسیالیستی، اما بویژه مدل سرمایه دارانه - اش خود به جنگ تمدن، توسعه اقتصادی و اجتماعی و پیشرفت بشریت بطور کلی آمده اند. با راهی حتی بر این نظریه که اقتصاد جهانی ممکن فعالیت اقتصادی در کره زمین را پشت سر گذاشته و به زبان دیگر اکنون مسئله بر سر توقف رشد اقتصادی و با محدود کردن اساسی آن است. نظریه فوق معتقد است که از این به بعد توسعه اقتصادی در تحلیل نهایی، خود غیر از اقتصاد و زیان آور خواهد بود. زیرا عوامل اقتصادی کولوژیک ادا مدتهاهی محیط زیست با سرعت کنونی موجب خواهد شد که هزینه های تولید افزایش قابل ملاحظه ای بیابند. این مسئله در مقیاس کوچکی هم اکنون در مورد نیروگاههای اتمی صدق میکند که اگر همه آنها بدلیل ایمنی انسانها بسته شوند، زیان عظیمی متوجه سرمایه گذاران خواهد شد. اگر توجه کنیم که در کشورهای سوسیالیستی و در پاره ای از کشورهای جهان سوم، تازه مرحله جدیدی از توسعه تعمیق یافته صنعتی شروع میشود آنگاه درمی یابیم که مسئله دست یافتن به شیوه عقلانی تری از توسعه صنعتی، از نقطه نظر حتی حفظ وضعیت فعلی محیط زیست زمین چه رسد به بهبود آن چقدر اهمیت دارد. این عقلانی کردن اما مرزهای معینی دارد که برای کمونیست ها دارای اهمیت سیاسی قابل ملاحظه ای است. اصلاح شیوه های کنونی توسعه اقتصادی بسا منافع توسعه امپریالیستی دارای تفاهت های معینی است. به سخن دیگر، سرمایه داری بر طبق منطق سود برای تحقق ارزش افزوده، حاضر است از پاره ای اقدامات زیان بار نسبت به محیط زیست دست بردارد، حتی حاضر است با صرف نظر کردن از جزئی

از سود خود بمنفع منافع بلند مدت تر، گامی نیز به پیش بگذارد و در هر لحظه از منطق سود انباشت پیروی نکند، اما بسا دگی حاضر نیست مدل توسعه ای را بپذیرد که سود را تابع ضرورت حفظ محیط زیست میکند. سرمایه

اقیانوسها، ذوب بخشی از یخهای قطبین و با آمدن سطح آب اقیانوسها را بدنبال خواهد داشت. این اما تنها یک نتیجه فرعی است زیرا مهمترین زهمه گرم شدن اتمسفر زمین با لاجبار به معنی کاهش اکسیژن موجود - بخشا بدلیل بیماری ویانا بودی جنگلی - نیز بوده و این بمعنای خفگی ناشی از کمبود اکسیژن کاهای سمی و گرما است. هم اکنون پاره ای از شهرهای بزرگ نظیر آتن، نیویورک و حتی تهران در فصل گرما، این خفگی را تجربه میکنند. با آمدن آب اقیانوسها و دریاها، آلودگی هوا و کاهش بارندگی در کنار هم تصویر موهشی را بنمایش میگذارند: شهرهای بزرگ ساحلی و مناطق ساحلی جزایر ما حلیز دلناهاست. که زمانی تمدن از آنها جوانه زد و شکوفا شد، به زیر آب می روند، متروپلیهای بزرگ بعلت دود و گرما خفه میشوند، باران (اگر باران) باران اسیدی است که بنویه خود به حیات گیاهان و جنگلیها لطمات جدی میزند. خشکسالی های منظم تر پاره ای از مناطق زمین و قبل از همه مناطقی که بطور عمده ای سبزیها کمبود باران و با خشکسالی روبرو هستند - و البته حتی در مناطق پر آب و باران خیز کره زمین - موجب میشود که نابودی گیاهان، آتش سوزی در جنگلیها، کاهش حجم منابع آب و... و... و در یک کلام نابودی شرایط زیست بسیاری از جانداران بیش از پیش به یک واقعیت غیر قابل انکار تبدیل شود. ملاحظه کن که یک دهه گذشته در آفریقا موجب سرعت یافتن پیشروی صحرا، نابودی بخش بزرگی از گیاهان باغات - مصرف حیوانات و نیز انسانها، از بین رفتن بسیاری از زمین های حاصلخیز و غیره شد. بدیهی است که چنین روندی میتواند دوباره با عوامل نگران کننده تری تکرار شود و این همه در حالی که آفریقایان قربانی سیاستی هستند که خود آنها در تعیین آن هیچ نقشی نداشته اند.

تغییرات در شیوه اتمسفر زمین، در هم ریختن اکولوژی اقیانوسها و قطبین، نابودی جنگلیها، کاهش بارندگی، پیشروی کویرها و غیره را بایسد بدیده های عمومی تباهی محیط زیست نامید. تباهی آب و خاک و محیط زیست جانداران در تنگنای مختلف و بسیار متنوع و با سرعتی سرمایه آور در حال پیشروی است. آنچه که به مسئله ابعاد نگران کننده تر میدهد این است که واکنش سیستمهای اکولوژیک در قبال دخالت عوامل خارجی بخوبی شناخته شده نیستند و بنا بر این هیچکس بدرستی نمیتواند پیش بینی کند که در کدام مرحله قطعاً این یا آن واکنش صورت خواهد گرفت. این را آزمیزی نیروهای طبیعت که ممکن است سالها در قبال دست اندازی عوامل خارجی سکوت کنند و بناگاه پاسخ مناسب و بیپیش بینی شده ای بدهند در پدیده بیماری جنگلیهای اروپا بخوبی برجسته شده است. اکنون که اقدامات قابل ملاحظه برای حفاظت از جنگلیها صورت میگیرد، اکنون که غالب نیروگاههای با سوخت فسیلی به فیلترهای مخصوص مجهز میشوند و اکنون که مصرف

داری تنها آنگاه به اشکال ذوبه بیگانه ای در حفظ محیط زیست روی خواهد آورد که آلودگی محیط زیست دیگر بلحاظ اقتصادی زیان بار باشد. این حقیقت مهم را در درک جایگاه جنبش حفظ محیط زیست با ری میرساند. این جنبش که پرچم در خواستی همگانی و برای کل بشریت را بدست گرفته است، اهم مهم تحمیل پیروی از ضرورت حفظ محیط زیست به امپریالیسم است. نیروهای پیشروتر این جنبش به اعتبار فعالیت افشاگرانه و بسیج گر خود که اساساً با اشکال به دلایل علمی معتبر صورت میگیرند، و با ورا ندن این حقیقت به توده مردم (وحتی بخشهای واقع گرای بورژوازی) که زمان زیادی به وقوع بلاخاطر جامعه نمانده است، نقش مهمی را به عهده دارند. اینک بورژوازی امپریالیستی تا جایی در مقابل فشار جنبش محیط زیست ایستادگی کند و کی حاضر به پذیرفتن اینک خطر جدی بشریت را تدبیر میکند، بشود، امری است که آینه نشانه خواهد داد. از طرف دیگر نمیتوان با فقط مبارزه و انتظار برای غروب پاشی نظام امپریالیستی تا هدفا بوده روزمره محیط زیست بود چرا که ابعاد فاجعه در حدی است که در چنین صورتی "نه از تاک نشان ما ندانند، از تاک نشان" بنا بر این موضع کمونیست ها مبارزه بیگانه و همسایه جنبه برای این امر خطیر است.



پای صحبت پرویز قلیچ خانی

"قلبم به عشق بچه‌های اعماق می‌تپد"



نوزده ساله بود که "مردسال فوتبال ایران" شد. وقتی خبر به گوش بچه‌های "بیابان زغالی" و بیابانهای "شترخان" و "یخچالی" های میدان خراسان و خیابان شهباز رسید. از خوشحالی "قند در دل آب کردند"، شادی هم داشت، قلدر مهربان محله‌شان که میان خاکها و سنگلاخهای همین بیابان ها و یخچالی‌ها بالیده بود، در میان آن همه ناهمناسی پرآوازه و سرشناس آنروزی ورزش میهنمان، آن هم در نوزده سالگی مرد سال فوتبال ایران شده بود. شادی‌های قشنگ آرام نگرقتند، چرا که پرویز هم آرام نمی‌گرفت.

دیری نپایند که آوازه‌ی پرویز از مرزهای میهنمان گذشت آنگونه که معروف‌ترین باشگاههای جهان، چون بایر مونیخ آلمان غربی، بوتافوگویی برزیل، فنرباغچه ترکیه و... خریدار "قلدر و موتور کوچ بوق برق ادیسون" شدند، کوچهای که بچه‌ها ییش ذرات حسرت داشتن یک توپ فوتبال خوب می‌سوختند. "شیرکیان" لقب نوجوانی‌اش بود، لقب دوره‌ای که در باشگاه کیان توپ می‌زد و مطبوعات و رادیو و تلویزیون پیرامون "کشف‌یافته‌ی تازه و شگفت در فوتبال ایران" جنجال برپا انداخته بودند. "سردار"، "سردار قلیچ" و "سردار فوتبال ایران" القابی بودند که موافق و مخالفش برآزنده‌اش می‌دانستند.

پرویز، که بچه‌های محله‌های جنوب شهر "پرویزخان" صدا ییش می‌زدند، به سرعت در زمره‌ی سرشناس‌ترین چهره‌های ورزشی میهنمان قرار گرفت. نادر چهره‌ای که مهابرت و توانائی



اش راهمگان ستایش می‌کردند. او که نزدیک به دودهم "توپ زد" از دیدگاه صاحب نظران ورزشی میهنمان به عنوان "برجسته‌ترین فوتبالیست تاکنونی میهنمان" معرفی گردید، و نه فقط مرد سال فوتبال ایران، بلکه مرد سال‌های فوتبال ایران شد.

"پرویزخان" اما ورزش همه‌زندگی‌اش نبود و به تجربه دریافته بود که سیاست یعنی همه‌زندگی و اهرم دگرگونی آن. او دگرگونی زندگی همه‌آنانی که داغ فقر و رنج برگرفته داشتند را طلب می‌کرد و می‌کند. او از این روزها همان نوجوانی به فعالیت‌های سیاسی رهاورد. روی آوردن که زندگی او را که می‌توانست غرق در پول و شهرت و آرامش "چوخ بختیار" گونه باشد، مالا مال از رویدادهای تلخ و دردناک و پراز فراز و نشیب کرد، اما..."

با هم‌پای صحبت‌هایش می‌نشینیم تا تازه‌ترین حرف‌هایش را درباره‌ی خودش و زندگی‌اش، که با سیاست و ورزش گره خورده است، برایمان بگوید.

من اما این همه، تلاش می‌کردم تا از تاثیر تخریبی چنین محیطی مصون بمانم. با یکی از رفقای گروه "رفیق مصطفی شمعانی" رابطه داشتم، رفیقی که برخورد ها و آموزش‌هایش مرا از غرق شدن در منجلاب محیطی آلوده مصون داشت، رفیق ارزشمندی که اکنون با درد و انسدوه آوارگی در آمریکا دست به گریبان است. از مسافرت‌های فراوانم به کشورهای مختلف آثار مارکسیستی، لنینیستی به همراهی آوردم و در اختیار رفقای نزدیکم قرار میدادم، در همین حال با محافل ادبی و نیز محافل دانشجویی و انقلابی نیز تماس داشتم. در محافل ورزشی، حتی در برابر ورزشکارانی که می‌دانستم جاسوسان رژیم هستند، دست به اسرار مخالفت با رژیم می‌زدیم. این برخوردها و ارتباطات از چشم ساواک پوشیده نماند، آنها از طریق سردمداران دستگاه ورزش بارها دست به نصیحت و تحریب و نگاه تهدیدم زدند.

روزهای پرشکوه اعتراضات و اعتصابات دانشجویی در بهمن ماه سال ۱۳۵۱، که در بزرگداشت حماسه‌ی سیاهگل برگزار شد، من فعلا نه در اعتراضات و اعتصابات شرکت کردم، و در درگیری با "گارد دانشگاه" که چند تن از دانشجویان را با شدت مورد ضرب و شتم قرار داده بودند، مامورین گارد را مشروب کردم. پس از این واقعه مامورین ساواک به خانم هجوم آوردند و بدو به شکنجه‌گاه کشانده شدند. هراس از بیرونده‌ی قطور "گفته‌ها و اعمال خرابکارانه" ام همراه با شکنجه‌ها و تهدیدها از من قوی‌تر عمل کردند و...

به خواست رژیم تن دادم و در برابر آنها زانو زدم، لغزش بزرگی که داغ آن همیشه با من بوده و خواهد بود. عمل حساب شده رژیم که مترصد یافتن فرصتی مناسب بود کار از آب درآمد و سیاست "خراب کردن" مرا با موفقیت پیش بردند. من بی‌آنکه قصد مقایسه خودم با "آقا تختی" را داشته باشم، بر این عقیده بوده و هستم که رژیم شاه به تجربه تختی را داشت. سیاست حساب شده‌ای در رابطه با چهره‌های سرشناس ورزشی پیش می‌برد. این چهره‌ها یا می‌بایست "خختی می‌ماندند"، یا خودشان را می‌فروختند، یا در برابر اذعان توده‌ها خراب می‌شدند، و اگر هیچکدام از این راه‌ها عملی نمی‌شد به سرنوشته تختی بزرگ رفتار می‌آمدند. آنها اما در رابطه با من همان سیاست خراب کردن را پیش گرفتند.

پس از رهایی از زندان دوران سختی را گذراندم، آنچه پیش آمده بود کابوس وحشتناکی را می‌مانست که روح و جسم را آزرده کرده بود. اما بیاری رفقای سیاسی و انقلابی خوب خودم را باز یافتیم. در آن هنگام رژیم شاه تلاش داشت حتی ناممرا از صحنه‌ی ورزش فوتبال حذف کند و چنین تلاشی را نیز در کنار تبلیغات شنیع و ناجوانمردانه‌اش بعمل می‌آورد، اما من پرورتر از این حرف‌ها بودم، و تازه انگاری برخورد های رژیم محرکی است که می‌خواهد درخت کینه‌ها به آنها اریسه میوه بنشانند. حضور فعال در صحنه مسابقات فوتبال، پس از رهایی از زندان، باز تاب چنین احساسی بود. ساواک که این حالت و روحیه را در من دیده بود سال ۱۳۵۴ نیز به بهانه‌ی تکثیر نوارهای انقلابی بازداشت کرد، اما پس از مدت کوتاهی آزادشدم، و اواخر سال ۱۳۵۵ راهی آمریکا شدم. در آنجا در کنار فعالیت ورزشی امبر دامنه فعالیت‌های سیاسی ام نیز افزودم، و از مجموعه امکانات موجود در دسترس در انشای جنبایات رژیم شاه استفاده کردم. در آمریکا با رفقای سازمان چریک‌های فدایی خلق ارتباط گرفتم.

رفقای فدائی و نیز برخی از رفقای "اتحادیه کمونیست‌ها" بیدریغ و رفیقانه یاری‌اچ کردند. در آنجا بود که جزوه "پوزشی از خلق و جان‌بازش" را منتشر کردم و عکس سرد نادرست خود را در برابر رژیم شاه امر داندنقا قرار دادم. پیش از انقلاب بهمن به ایران بازگشتم. روزهای انقلاب همراه با مردم و در صفوف فدائیان خلق در انقلاب

پیام کارگر: با اینکه نام تو بعنوان یک چهره‌ی ورزشی بنا بر سر زبان‌ها بوده و هست، اما فعالیت‌های سیاسی ات نیز همیشه طرح و بحث برانگیز بوده است. در این رابطه چه حرف‌هایی برای گفتن داری؟

پرویز: من از همان نوجوانی، تحت تاثیر آموزش‌های پدر و نیز تجربه شخصی‌ام، سیاسی شدم. من از پدر و زندگی آموختم که سیاست یعنی زندگی. نمی‌توان زندگی کرد و ادعا نمود که "ما را با سیاست کاری نیست". چیزی که به اعتقاد من یک خودفریبی آگاهانه است. طبیعی بود که چگونه سیاسی بودن مد نظر بود. قلب من به عشق بچه‌های اعماق می‌تپید و می‌تپد، بچه‌هایی که رنج و فقر، زندگی را به کامشان تلخ کرده بود، و من آرزوی ایفای نقش در دگرگونی زندگی آنها داشتم. اما واقعیت این بود که این عشق فقط احساسی انسانی و عاطفی، و فقط شور دگرگون‌سازی بود و با شعور و آگاهی و توان ضرور در نیامیخته بود. کنسده شدنم از محیط زندگی کودکی و نوجوانی ام و گام نهادن در آن محیط ورزشی ناسالم، نه تنها کمک به تعمیق عشقم به فقر زدگان و عقب‌نگه داشته‌ها و کینه‌ها به شکمبارگانی که سبب چنین فقر و رنجی بودند، نشد بلکه چنین احساسات عاطفی و انسانی‌ای و ادر سطح نگه داشت. محیط ورزشی‌ای که رژیم شاه بنا به ماهیت ارتجاعی‌اش، با پول و انبواغ ابزار و وسائل تحریب و تحمیق‌الوده‌اش کرده بود.

پیام کارگر: پیش از هر چیز از اینکه دعوت ما، ایاری مباحثه و گفتگو پذیرفتید، سپاسگزاریم. بد نیست ابتدا از خودتان برایمان بگوئید و اینکه در حال حاضر چه می‌کنید؟

پرویز: من نیز از شما و رفقای تحریریه پیام کارگر، کسه امکان چنین گفتگویی را به من دادید، سپاسگزارم. اما در مورد خودم، چیز قابلی برای گفتن ندارم. بزرگ شده محله "تیردوقلو" ی شهباز جنوبی تهران هستم. در خانوادهای زحمتکش بدنیآ آدم پیدر مکارگر گروه‌ی خانوادگی بود و پدر آشنا با درد و رنج ورزش فوتبال را از زمینهای خاکی محله‌های جنوب شهر تهران شروع کردم، ورزشی که به سرعت باز زندگی ام گره خورد آنگونه که پیش از ۲۰ سال از عمرم ربابا آن سرکردم. در کنار فوتبال به هر جان‌گدندی بود در سر خواندم و از دانشسرای عالی لیسانس تربیت بدنی را گرفتم. تا پیش از انقلاب، هزینه زندگی ام، در وجه غالب، از طریق بازی فوتبال تامین می‌شده اما بعد از انقلاب از طریق مشاغل گوناگونی مثل کار با وانت یا رواداری در کارخانه شوقا کار زندگی خانوادهم را تامین می‌کردم. در این میان همسر من نیز در تامین هزینه‌ی زندگی خانوادهم یاروم بود. امکان مربی‌گری تیم‌های فوتبال فرانسه برایم فراهم بود اما فعالیت‌های مستمر تشکیلاتی و نیز تلاش معاش مانع از تحقق چنین امکانی شد. در حال حاضر با همسر و دودخترم تبعیدی یاریس هستیم. زندگی ام نیز از طریق رانندگی کامیون می‌گذرد.

شرکت کرد و با سازمان چریکهای فدائی خلق ارتباط گرفتیم. در مقطع انشعاب "اقلیت" و اکثریت "آزاده و گنج" از این رویداد، فعالیتهای تشکیلاتی ام کاهش یافت، اما آشنائی با رفقای که انشعاب ۱۶ آذر را سازمان میدادند محرک شد تا من بر میزان فعالیتهای تشکیلاتی ام بیافزایم. من فعالانه و باتمامی امکاناتم در رابطه با انشعاب ۱۶ آذر حرکت کردم و از آن تاریخ نیز تا چندی قبل فعالانه با این جریان کار کردم. گرایش من به این جریان، جدا از نزدیکی نظری، سیاسی و تشکیلاتی، معلول علاقه و احترام من به برخی از رفقای سازمانده این انشعاب، بویژه و فقیه معینی (همایون) نیز بود. در این دوره جدا از پیشبرد وظایف سازمانی، در رابطه با سازماندهی فوتبال محلات و نیز انتشار نشریه‌های ورزشی فعالانه شرکت داشتم، که کار انتشار نشریه، به دلیل ضرباتی که سازمان فدائیان خلسق خود، ناتمام ماند، نشریه‌ای که چند شماره آن آماده انتشار بود.

پس از ضربه آبانماه ۱۳۶۲، به توصیه رهبری سازمان ایران را ترک کردم. مدتی پس از برگزاری پلنوم ۷ سازمان فدائیان خلق انبوهی سوال نظری، سیاسی، تشکیلاتی در ذهنم پدید آمد، اما من علیرغم وجود آشکار انحرافات گونه‌گون، دل به "کنگره" سازمان و نیز مساله وحدت این سازمان و سازمان آزادی‌کار خوش‌کردم، اما باز سرم به سنگ خورد، انگاری چون همیشه باید سرم به سنگ می‌خورد تا حضور سنگ را بساور می‌کردم! "کنگره" چه در روند تدارک و چه هنگام بر - گزاری اش کاریکاتوری از یک کنگره دمکراتیک بود و آنچه که از دل آن بیرون آمد نیز سازش زیر پرچم وحدت بود! بی‌تردید آنچه که در طول تبعید در رابطه با حیثیات سازمانی و نیز امر رهبری سازمان، چه در عرصه نظری و سیاسی و چه در عرصه تشکیلاتی و اخلاقی، دیدم برای دوری‌گزیدن از اینگونه سازمان‌ها و اینگونه دیدگاه‌های نظری و سیاسی کافی بنظر می‌رسد. اما از آنجا که به حرزیت اعتقاد دارم، اگر فعالیت منظم سازمانی نکنم، حالت ماهی‌وامانده از آب را دارم.

پیام کارگر: در دو مسابقه جنجالی و پر سر و صدا، ستاره بازیها بودی، مسابقه ایران و اسرائیل و مسابقه ایران و استرالیا. مسابقه ایران و اسرائیل اما بازیهای ویژه‌ای پیدا کرده، از زیباییات در این باره چیست، چرا این مسابقه چنین ویژگی‌ای به همراه داشت؟

پرویز: مسابقه ایران و اسرائیل بعد از جنگ ۶ روزه اعراب و اسرائیل و در خلال سالهای ۴۸-۴۷ در چارچوب جام ملتها آسیا برگزار شد. اسرائیل در آن هنگام در آسیا در انزوای تقریباً کامل بسر می‌برد. هیچ کشوری در آسیا حاضر به مسابقه با اسرائیل در این مسابقات نبود. رژیم شاه اما به توصیه اربابش آمریکا به این امر تن داد. محافل مختلف و محافظه‌کاران دانشجویی با حضور در امجدیه به حضور اسرائیل در این مسابقات اعتراض نمودند، و اعتراض خود را نیز به اشکال گونه‌گون بروز دادند. در این میان بازاریبان با خصومتی آشتی‌ناپذیر با "کلیمیان" و محافل روشنفکری در دشمنی با امپریالیسم جهانی، امجدیه را به صحنه اعتراض علیه این مسابقه تبدیل کرده بودند. پس پایان مسابقه تظاهرات موضع‌گیری علیه اسرائیل و آمریکا در اطراف امجدیه برگزار شد. بسیاری از تماشاچیان بازاری حتی باخود قمه و کارد آورده بودند تا اگر اسرائیلی تیم ایران را شکست داد، تماشاچیان جهود و نیز بازیکنان تیم اسرائیل را "قصاص" کنند!

اما بازی با استرالیا وضعیت دیگری داشت. همانگونه که گفتیم رژیم تلاش داشت مرا از صحنه فوتبال میهنمان حذف کند، بهمین خاطر عمده اگره‌های رژیم به این عنوان که من "کمونیست" و "بی‌وطن" هستم، از انواع اقسام جربه‌های روانی در این رابطه سود می‌بردند. پیش از بازی ایران و

استرالیا نیز که در سال ۱۳۵۴ برگزار شد آنها چنین سیاستی را پیش بردند، اما من با بی‌خیالی و پررویی تمام در این مسابقه حضور یافتم. دهن‌کجی و ابراز نفرت من به عمده اگره‌های رژیم، ارائه یکی از بهترین بازیهای دوران زندگی - ام در آن روز بود.

پیام کارگر: وضعیت ورزش و تربیت بدنی، بویژه ورزش فوتبال، در شرایط کنونی جامعه‌مان چگونه می‌بینی، آیا فرقی با گذشته و بویژه پیش از انقلاب کرده است؟

پرویز: هر رژیمی بنا به ماهیتش با مساله ورزش و تربیت بدنی برخورد می‌کند. دیدگاه‌های رژیم ارتجاعی سلطنتی شاه و نیز رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در برخورد با مساله ورزش و تربیت بدنی اساساً فرقی زیادی نداشته و ندارد. اما اینکه ورزش در دوران سلطنت شاه از کیفیت بهتری نسبت به دوران خلافت آخوند‌ها برخوردار بوده است به عنوان واقعیتی انکارناپذیر مورد قبول من است. با تاکید بر این واقعیت که این تفاوت کیفی نه از روی حسن نظر و یا حسن نیت آن رژیم بود، بلکه رژیم شاه می‌خواست برای استفاده غیر شرافتمندان از این وسیله شریف‌الابزار با کیفیت تری مقاصد خود را پیش ببرد. در عرصه‌هایی امار رژیم جمهوری اسلامی نه در مقایسه با رژیم شاه، در مقایسه با حکومتها ارتجاعی شیبه به خودش، در عقب ماندگی و جهالت نمونه‌وار است. نگاهی به ورزش زنان در میهنمان اوج عقب‌ماندگی و جهالت رژیم اسلامی را نشان میدهد، آنگونه که براحتی می‌توان گفت، آخوندها ورزش زنان را کشتند و بقیه رشته‌ها ورزشی را نیز بسوی مسخ و جهالت و عقب‌ماندگی خود می‌پرند.

به اعتقاد من، آنچه که برای رژیم شاه، و از آن بدتر رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، اهمیت نداشته و در مواردی نیز قابل فهم هم نبوده، توجه به اهمیت ورزش و تربیت بدنی چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی بوده و هست. هر دوی این رژیم‌ها، ورزش و تربیت بدنی را وسیله‌ای برای تحمیل توده‌ها و دورنگه داشتن آنها از مسائل اصلی جامعه خواسته و می‌خواهند، هر دوی این رژیم‌ها ورزش و تربیت بدنی را وسیله‌ای برای پیشبرد خواستهای سیاسی و ایدئولوژیک خود خواسته و می‌خواهند، و ورزش ورزشکار تنها در چارچوب خواست‌های دیکته شده‌ی آنها مورد قبول این دورژیم بوده و هستند و لا غیر!

در مورد فوتبال نیز وضع همچون رشته‌های دیگر ورزشی است. اما توده‌گیر شدن این ورزش سبب شده تساورزش فوتبال و بزرگی‌هایی بدست آورده که با رشته‌های ورزشی دیگر متفاوت است. اقبال توده‌ای به این ورزش این امکان را داده است که رژیم‌های ارتجاعی به راحتی نتوانند آنگونه که خود می‌خواهند با این رشته ورزشی و فوتبال بیست‌ها برخورد نمایند. نمونه‌ها چه در رابطه با دوران حیات رژیم شاه و چه دوره‌ی کنونی فراوانند.

در باره وضعیت فوتبال میهنمان در حال حاضر باید گفت که فوتبال در جامعه‌مان به لحاظ کیفی و کمی اسفناک‌ترین دوره خود را می‌گذراند. کیفیت تیم‌های فوتبال، بویژه تیم ملی بسیار نازل است. نزولی‌کده در رابطه با سطح رشد فوتبال نه در مقایسه با کشورهای صاحب نام در این رشته، حتی در سطح بسیاری از کشورهای آسیایی، بسیار تأثر آوار است. فقدان امکانات ضروری برای تمرین، فقدان برگزاری مسابقات در سطحی با کیفیت، فقدان تأمین نیازهای رفاهی و ضروری برای زندگی یک فوتبال بیست، تمهیدیه حساب‌های ایدئولوژیک، سیاسی و شخصی و... خلاصه حاکمیت عقب‌ماندگی و نادانسی و ندامت‌گرایی در این عرصه، دست آوردی جز "تیم ملی فوتبال جمهوری اسلامی" نمی‌توانست داشته باشد. تیمی که اگر کیفیتی هم بتوان در آن یافت، خودانگیزه و خودجوش بوده است. در واقع ورزش فوتبال هم‌اکنون وجود آخوندها میسرین مانده، همچون دیگر رشته‌های ورزشی و تربیت بدنی و نیز

همه عرصه‌های زندگی.

پیام کارگر: ورزش دوستان و خصوصاً جوانان ما علاقه مند به استفاده از سالن‌های تجاری توپور میدین ورزشی و مسنارزه اجتماعی و سیاسی هستند، چه بیامی برای آنها داری؟

پرویز: پیامی که چه عرض کنم اما من آنچرا که دریافت‌ها من مطرح میکنم. ورزش و تربیت بدنی، مثل هر پدیده اجتماعی دیگر با سیاست گره خورده است. سیاست نیروهای می‌رسد و ارتجاعی تلاش برای سوء استفاده از این پدیده در راه تحکیم جهل و عقب‌ماندگی است. می‌بایست در مقابل چنین نیروهای و ورزش و تربیت بدنی را وسیله‌ای برای بالندگی و پیشرفت هر چه بیشتر جامعه انسانی قلمداد کرد و بکار گرفت.

من فکر میکنم ورزش دوستان و ورزشکاران در این راستا رسالت بزرگی بر عهده دارند. ورزش و تربیت بدنی وسیله‌ای برای گسترش و تعمیق روحیه‌ی تعاون و همکاری، وسیله‌ای برای بهسازی زندگی نیروهای انسانی جامعه و تأمین تندرستی و سلامت آنها، وسیله‌ای برای دوری‌گزیدن از برخی از کج‌رویه‌ها و انحرافات اجتماعی، وسیله‌ای برای افزایش روحیه‌ی رقابت‌های سالم و سازنده و انسانی، وسیله‌ای برای تحکیم دوستی ملت‌ها و خلق‌ها و نیز تقویت و تحکیم صلح جهانی است. ورزش و تربیت بدنی وسیله تبلیغ عقب‌مانده‌ترین و غیر انسانی‌ترین افکار عقیدتی، سیاسی و اخلاقی نیست. بنابراین این بنظر من در برابر نیرویی که از این وسیله شریف در این راه استفاده می‌کند، باید ایستاد. جمهوری اسلامی امروز این وسیله شریف را با آلودگی افکار عقیدتی، سیاسی و اخلاقی آلوده و تکیه‌تبارش، آلوده کرده است. آنچه که در عرصه ورزش و تربیت بدنی میهنمان گذشته و می‌گذرد، برای نشان دادن حد عقب‌ماندگی و جهالت رژیم جمهوری اسلامی کافیست و حتی ضرورتی ندارد که ورزش دوستان و ورزشکاران، که به سه گروه‌های اجتماعی متفاوت تعلق دارند، برای شناخت سیما واقعی رژیم از بیخمار جنایات رژیم در زندان‌ها و شکنجه‌گاهها با خبر باشند! همین حد جهل و عقب‌ماندگی که در عرصه ورزش و تربیت بدنی مشهود است برای قده علم‌گردن ورزش دوستان و ورزشکاران و دست‌زدن به اعتراض علیه این رژیم کافیست و اعتراضاتی که شاهد نمونه‌هایی از آن بودیم اعتراضاتی که مردم خشم خودشان از حکومت را بروز داده‌اند، من فکر میکنم این اعتراضات ورزشی نباید فقط محدود به استادیوم‌ها شود، بلکه به محلات و کارخانه‌ها و محیط‌های آموزشی نیز می‌تواند گسترش یابد. از این جهت بنظر من باید تاکید بیشتری بر نقش ورزش در این امکان خصوصاً در محلات داشت. سازمان دادن تیم‌های ورزشی محلات از آنگونه فعالیت‌های اجتماعی مهمی است که می‌تواند جوانان پر شور میهن‌مان را علاوه بر محفوظ داشتن در مقابل انواع مفااسک‌ها ایدئولوژی‌ها و هراس‌های زمانه مطرحند، در جهت پرورش یک روحیه سالم مبارزاتی و ایستادگی در مقابل حکومت سوق دهد.

پیام کارگر: رفیق پرویز یکبار دیگر از تو تشکر میکنیم.

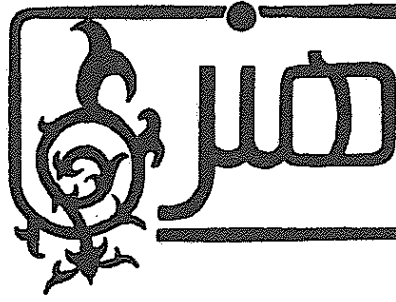
پرویز: منم به همینچنین.

در گذشت

یک روزنامه‌نگار انقلابی

با کمال تأسف در آخرین لحظات چاپ نشریه اطلاع یافتیم که منوچهر محجوبی روزنامه‌نگار با سابقه و سرذنبیر آنر در لندن به علت بیماری درگذشت. ضمن تسلیت درگذشت منوچهر محجوبی به خانواده‌اش در شماره‌های آینده، مصاحبه‌ای را که ایشان در آخرین روزهای خیاتش با پیام کارگر انجام داده به اطلاع خوانندگان خود خواهیم رساند.

معرفی و نقد کتاب



روزنهای بهرمان آوازکشتگان

آرینش و زیبایی‌های هنری در مقایسه با پدیدهای جوامع انسانی، بخودی خود و بنا به ماهیت روشنگرانه اندیشه و هنر، نمیتوانند در فاصله دوری از زشتی و پلیدی قرار نگیرند. با اینهمه، سرنوشت ادبیات فارسی گوئی بر این بنا بوده که فاصله پیدا و روشنی از این حیث اختیار کرده و درخشش نمایانتری نداشته باشد. ادبیات معاصر ایران - بویژه - بخت بلندی نداشته است، بطوریکه کمتر شاعر و نویسندگانی سراغ داریم که از تعفن ستم و سلطنت و اشرافیت و لاک ناخشن و مضحکه زندگی جماعتی اشمئزازآور روی برنرفته باشد. اما علیرغم این نیکبختی، شجاع‌ترین مبارزان جامعه ما در قبال ننگین سرخ ادبیات مردمی ما، فقط پشت کوشش خاراندند، تا اینکه ناگزیر شویم با خمشی خاموش، نظارم کر تجلیل سياهکاران سلطنت از مثلا فروغ فرخزاد باشیم که "از صدای تکه تکه شدن" در بوره آن جانپسایان می‌گوید و یا از شاملو که سر سلسله این دودمان زبون را "سگ انوالیدی" می‌نامد.

ما به تاسی از محدود کسانی که نقد و معرفی آثار گرانبهای هنری را وظیفه اجتماعی خود می‌انگارند، "آواز کشتگان" رمان رضا براهنی را معرفی می‌کنیم. البته دعوی نقد را در سر نداریم زیرا که قدرت ناقد را نداریم، از سوئی تنها به معرفی قیمت و تعداد سطور و تاریخ چاپ اکتفا نمی‌کنیم.

کتاب در سال ۶۲ از چاپ خارج شده و حاوی دو بخش با عناوین زیبایی "احدیت پری داران" و "حدیث آینه چشمان" است و به ۴۰۰ صفحه می‌رسد. "نشر نو" که تاکنون مبادرت به آثار با ارزشی کرده، مسئولیت چاپ رمان یاد شده را نیز بعهده گرفت.

قصه بلند "آوازکشتگان" در واقع تفسیر رئالیستی واقعیت اجتماعی حول این شعر زیباست: عاشقان کشتگان معشوقند - بر بنیاد زکشتگان آواز.

عشق پر سوز و آتشین دکتر محمود شریفی به زن زیبا و مهربانش سهیلا (قهرمان اصلی داستان) این تمجید شاعرانه عاشق به معشوق را بیادگار دارد، عشقی که در کثر زمان و تحول هر چه عمیق‌تر زندگی این دوروشنکر در مفهومی عامتر تعمیم می‌یابد و آنگاه معنایش را در عشق به آزادی نیز می‌جوید. عاشق واقعا هم درگمانی ویی - بهره از غوغای نام و آواز، بپیکار خود را در زخم و خون و شکنجه بی میگرد.

حوادث داستان در طی چند روز و حول وحوش کنکرامی می‌گذرد که قرار است فرج پهلوی در حضور مستشرقین و استادان فارسی داخلی و خارجی افتتاح کند نیز یادآور خاطرات دلاوریهای دانشجویان در اطراف برپایی کنکره فرمایشی در دهه ۵۰ است.

دکتر شریفی، قهرمان اصلی داستان، نویسنده با استعداد و استادی آگاه است که تجربیات دیدارهای

علمی جهانی، تجربیات مبارزاتی خانوانه و زادگاهش - آذربایجان - و دوران زندانی شدن خود رابه همراه دارد و حال وظیفه خود را دفاع از جان زندانیان سیاسی در سطح بین المللی می‌داند که در نیاز سه نهایت اختفا، از حمایت وهمکاری بپیرین همسر شجاع او برخوردار است.

اگرچه نویسنده اصرار دارد که شخصیت‌های داستان، خیالی هستند، اما علیرغم این، شباهت زندگی دکتر شریفی و دکتر براهنی از امتیازی برخوردار است که باید به آن توجه داشت و آن، زمینهای واقعی رویدادها و وقایع پرخاش شده است.

در کتابی با صفحات و پرسوناژهای معدود، به سختی می‌توان رد و نشان تاریخ را بی گرفت، حال آنکه براهنی با بهره‌ای از حواشی، این دستاورد را بیارسانده است.

تیریک گریز منطقی نویسنده به وقایع، ما می‌توانیم نگاهی چند جانبه به مبارزات رهائی آذربایجان، بیکار - های تودنای دهه ۳۰ تا ۳۰ و سالهای مبارزات چریک‌دهه پنجاه داشته باشیم.

سماجت "قربان" گریچی در تداوم تلاش مبارزه جویانانش در هر مقطع از برآمد تودنای، او را بیسه فرزندش محمود شریفی در مصیبت پر هول اما فخرآفرین به هم متصل می‌سازد، حال آنکه، نتیجه دیگر شکست ۲۲، گره کوری است که در روابط پدر بچا مانده از آن سالها که معتاد شده و فرزندش "اسماعیلی" که شاعر مبارزی است، می‌نشیند. نتیجه نهائی اینکه نسل های دور از هم به نعمت جوشش بی‌توقف مبارزه، در دو سوی قتلای از شکست و هراس و بدگمانی، و نیز شجاعت و امید و ایمان، لپهای زخمی و خونین یکدیگر را می‌وسند، زیرا "زمین بهر حال از آن آنهاست!" (صفحه ۳۸)

نگات بسیاری در رمان هست که اشاره حتی مختصر به آن، نیازمند صفحات زیاد است. از جمله مکالمه روشن فکر پر ادعا و عبارت پردازی که بیگاری خود را در اهانت به قهرمان بی‌وقعی که اندا نیز ندارد، مورد مناقعه قرار میدهد. (صفحات ۲۶ و ۲۷)

داستان بی‌آنکه به اصراری شعارگونه متکی باشد، - و این خود مدیون شرکت مستقیم نویسنده در حوادث آن روزگار پرا دیار است - "زندگی" بوج جمع‌ی روسی، متعلق، کسروهای "علم"، پاندازه، بادجان دور قاب چین و... را در کف دست می‌گذارد که یک فاحشه وامانده صدبار بر آنها شرف دارد. در جایی از کتاب، در مقام توصیف محفل های این جماعت بنجل می‌نویسد: "مثل اینکه مدهای فرنگی بوجود آمده بودند تا اندامها و صورتهای زلفای ایرانی را به بازی بگیرند" و "تا حال استادان دانشکده را به این خوش لباسی ندیده بود،

مثل اینکه چشمان عروسک (فرج - م) قرار است به جور یا ناجور بودن لباس و بیرهن و کفش و کراوات و جوراب استاداها نمره بدهد." (صفحه ۱۲۴)

موضوعی که هر خواننده را از خود بیخود می‌کند، خاطرات عذاب آور ایامی است که آن برآستی کوربه کور شده بر جای گذاشت. شکنجه میدهند، به دار می‌زنند، به انسان چشم بند می‌زنند - که به قول داستان، "بزرگترین توهین را به بینائی بشریت" روا میدارند - بخاطر توجیه هول بر دلی چون فرج، از جوانان خونالود، "تساویر زیبای هندسی بر میله‌های دانشکاه" می‌سازند، و آنگاه ماده خوبی دیگر چون اشرف را به ریاست کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل می‌کارند تا گزازی چون شاه با بادی به غیب گفته باشد: "کشور ما، کشور دیکراسی است!"

گفتنی‌های ضروری در باب شکل در این رمان از جمله توجه به روایت بی‌طمأنیه و صمیمی واقعیت است که خواننده را هنگام مطالعه - انکار با یک گزارش مستند تکان دهنده روبرو می‌سازد، با این تفاوت که اگر گزارش روزنامه‌ای را می‌توان نیمه‌کاری گذاشت، این سهل انگاری در مورد "آوازکشتگان" حکم از کف دادن لذتی مسلم را دارد. نویسنده همچنین شیوه معمول آن "دوجین گاریبچیان روانشناس" را که توهم خویش را به عنوان نتایج منطقی در کام خواننده می‌انبارند، به کناری نهاده و با رئالیسم پرخون و پر تحرك خود، نهایت توجه را جلب می‌کند. علاوه بر این، احتراز براهنی از موطنه پردازیها و درس اخلاق دادن به دل می‌نشیند.

در کتاب همچنین نقایص محتوایی و هم اشکالات فنی وجود دارد - که اگر اشاره به آن پرگوئی منسی بدهد - می‌توان لاقال آترا مغایر با برداشتها و احساس تاکنونی مان از فنون ارائه شده توسط صاحب نظران تلقی کرد.

از نظر محتوی، صدای خراشیده ناسیونالیسم که بیشتر به پاسخ به نویسندگان متعصب دیگر شبیه است تا یک نظر پردازی رئالیستی، به چشم می‌زند. همانگونه که مثلا اخوان ثالث "بلاغت مغولی" را بدان آذربایجانها نسبت میدهد، براهنی نیز سعی دارد تا "همولایتهای" خود را تافته جدا بافته معرفی کند. بر پایه ایمن لجاجت، خراسانیها "عادت به نرمی در مقابل قهرتمندان" دارند و یک کیلانی، بالقاتات رژیم که باید "شخصیتی سست و بی خون" باشد، تطبیق می‌کند، سربازان محافظ زندان که در لریخ از دست دادن صد تومان و جبالقتل مبارزان حسرت می‌خورند، حتفا باید اصفهانی باشند، و یک جوان تهرانی از پیرمرد محتضر آذری می‌هراسد تا ثابت شود که حتی پزشک مخصوص زندان شهربانی هم، آذربایجانی غیرتمندی است. چنین "نظراتی" (که در واقع تبلیغاتی) نه تنها دلآوری خلق آذربایجان را در سالیان مختلف در سایه قرار می‌دهد، بلکه با دوستی خلقها مغایرت دارد.

"آوازکشتگان" از نثر شاعرانه معمول رمان - نویس ها و بی‌برگیری آنها از زیبایی های طبیعی و انسانی بهره است. حتی بنظری رسد که نویسنده خود به این ضعف باور دارد که در سرتاسر داستان، تنها چند جمله پراکنده، از این نست دارد: "بیولونها... (به هم) جواب میدادند وبعد انکار متحد می شدند و در صفحه ۹

ایجاد بازار تجاری در مرز ایران و ترکیه

بر اساس سوابقی که بن مسئولین استان وان ترکیه و استان آذربایجان غربی صورت گرفته است، در چند نقطه مرزی مکرر بازار آزاد تشکیل خواهد شد.

اوس بازارها در این زمینه چندی پیش در چند نقطه برپا گردیدند در آسحاقنا، چای، گلیم و فرشهای دستباف ایران را ضرب آسایش و روغن و شکر و مواد بهداشتی و پاک کنند. طرف ترکیه باه فروش می رسد.

سینه زنی و غذای مجانی

سردمداران رژیم به هر حیلله ای متوسل میشوند تا بتوانند در های وهوی مرگ خمینی اوضاع را بر وفق مراد خویش سازند و در این راستا ست که طی ۴۰ روز عزای عمومی، سه بهانه های مختلف، منجمله غذای مجانی، عدهای را بر سر قبر خمینی کشانند و اکنون بدنبال آن پرده از نمایش برده دیگری به بهانه عاشورا و ماه محرم آغاز گشته است.

مسئولین رژیم اعلام نموده بودند که طی ده شب عاشورا ضمن سخنرانی یکی از مسئولین کشور در هر شب برنامه سینه زنی و نوحه خوانی نیز برگزار است. در گذار این مراسم طبق معمول غذای مجانی نیز در اختیار شرکت کنندگان قرار خواهد گرفت. اتویوس و ایاب و ذهاب نیز که جای خود دارد.

سعی رژیم در گسترش و دامن زدن به وسعت مراسم عزاداری در ناسوا و عاشورای امسال به حدی بود که برای تمام مردم ابعاد آن ملموس و سؤال برانگیز بود. دعوت مسلمانان و جیره خواران جمهوری اسلامی از اقصی نقاط جهان به این مراسم بر سر قبر خمینی تنها یک گوشه کوچک از مانورهای تبلیغاتی و پرده پوشیهای فقها بود که هر روز در اخبار رادیو تلویزیون و مطبوعات دیده میشد.

تصحیح و پژوهش:

شماره پیامگارگر نیمه دوم مردادماه ۶۸ که ۴۹ بوده، اشتباهها ۴۸ درج شده است. در حالیکه شماره ۴۸ در نیمه اول مرداد منتشر شده بود. بدینوسیله اشتباه مزبور را اصلاح کرده و از خوانندگان پیام کارگرو پژوهش می خواهیم.

از صفحه ۸

روزنه های بهرمان...

شکوت را با زبان می انباشتند و عواطف سیمها کش میاید، برهنه می شد، و در اعطای یک خلوص، یک حیرانی شکوفان، روان دردمند جهان را لمس میکرد.

(۲۵۶.۶)

نویسنده در اثر کمبود جنبه های روانکاوانه، ناگزیر به ارائه مصنوعی برخی زوایای شخصیت میشود که از جمله در مورد دیالوگ منسوب به سهیلا و گلناز صدق می کند.

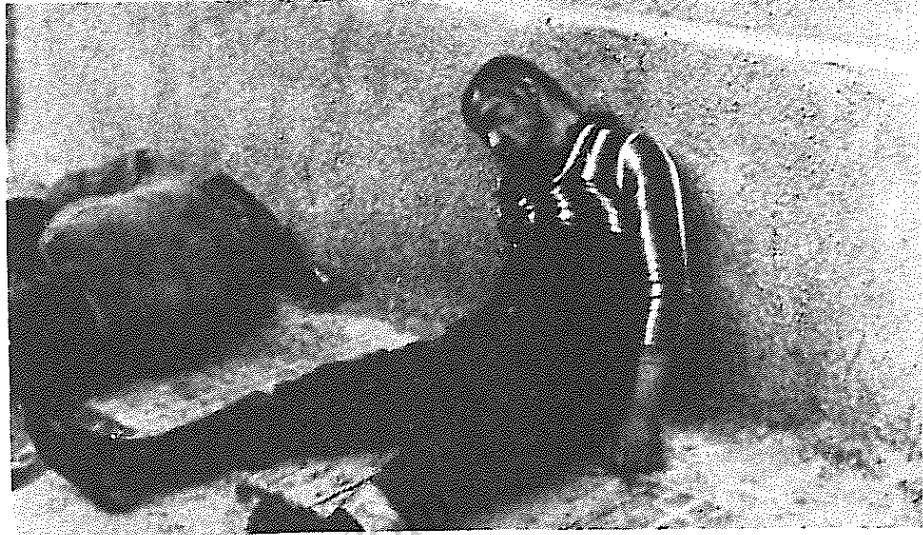
"سهیلا"ئی که در طول داستان، تنها عباراتی جسته گریخته بر زبان آورده، ناگهان همچون یک نیایشگر مدیون به درگاه خداوند! (شهرش) چهار صفحه را پر می کند و گلناز ۱۴ ساله در جای خود با یک روشنفکر پرچانه چیزخوان پهلوی می زند. در مورد پدر محبوب شریفی نیز این خمیسه شریقاتی و تا حدودی استثنائی می نماید.

رمان با این تصویر نهائی قهرمان تحت شکنجه پایان می یابد "صورتش را بر زمین چسباند. لبهایش را روی آجر گذاشت. خواست ببوسد. نفهید توانسته است ببوسد یا نتوانسته است. آهسته گفت: "خالک! و پانده".

۶۶۸ عمور دستگیری طی عماه گذشته

کلانتری اعلام نمود که برخلاف ادعای رسانه های غربی تمام افراد دستگیر شده دارای پرونده هستند و محاکمه شده اند و اعداها پس از محاکمه صورت گرفته است.

در حالیکه اعدام متهمین به قاچاق و مواد مخدر همچنان ادامه دارد و تنها طی هفته گذشته ۸ نفر دیگر نیز به این جرم به چوبه های دار آویخته شدند، مختار کلانتری جانسپین



طبق اخبار منتشر شده از طرف رژیم طی شش ماه گذشته نزدیک به هزار نفر به جرم قاچاق و توزیع مواد مخدر در ایران اعدام شده اند. در بین اعدام شدگان تعدادی زن نیز وجود داشته است که تنی چند از آنان سنگسار گشته اند.

جدید فرمانده کل کمیته های انقلاب اسلامی اعلام نمود که طی ۶ ماه گذشته ۵۴ شبکه قاچاق مواد مخدر متلاشی و ۶۶۸ تن از اعضا آن دستگیر شده اند. وی مقدار مواد مخدر بدست آمده از این افراد راه تن ذکر نمود.

اقتصاد بیمار و وابسته

در شرایطی که رفسنجانی به عنوان رئیس جمهور جدید از برنامه های مفصل پنجساله برای آبادانی کشور دم میزند. مرتضی الویری رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس رژیم اعلام نمود که مدیریت فعلی توان اراده و اجرای برنامه های راکه دولت برای شال آتی تدارک دیده ندارد. او گفت که برنامه های قابل بحث تنها در شرایطی قابل اجراست که "مدیریت سازمانهای رژیم در تمام سطوح مختلف بایستد دستخوش تغییر گردد و به عبارت دیگر متحول گردد".

او یکی از علل و عوامل بازدارنده را سازمانهای موازی که تعدادشان در جمهوری اسلامی کم نیست نام برد اما داد که رژیم "گرفتار یک اقتصاد بیمار است و برای رسیدن به توسعه اقتصادی بایستد این بیماری بر طرف شود".

الویری با اعتراض به انحلال وزارت برنامه و بودجه که طبق مصوبه جدید متمم قانون اساسی صورت گرفته و بر اساس آن این تشکیلات باید زیر نظر رئیس جمهور باشد، به نظام غیر عادلانه درآمد در ایران حمله نموده و گفت در حال حاضر خانواده هایی در ایران وجود دارند که روزانه یک میلیون تومان درآمد دارند و دولت نمی تواند از آنان مالیات وصول کند.

تسهیلات ویژه برای مسافرت بازرگانان

روابط عمومی مرکز توسعه صادرات ایران اعلام داشت بر اساس مصوبه جدید دولت "و به منظور تسهیل در مسافرت افرادی که برای اهداف تجاری به خارج از کشور سفر می کنند از این پس بخشی از ظرفیت حمل مسافر در خطوط پروازی هواپیمای جمهوری اسلامی برای این دسته از تجار اختصاص می یابد".

دولت اعلام نموده است که این امر در چهار چوب توسعه صادرات غیر نفتی صورت می پذیرد.

تاسیس بیمه اتکا

هفته گذشته در مطبوعات رژیم اعلام شد که کشور های عضو صندوق بیمه "اكو"، قرار است يك شركت مستقل بیمه اتكایی با سرمایه اولیه ای معادل ۰ هلیون دلار تاسیس کنند.

در صندوق بیمه "اكو" کشورهای ایران، پاکستان، و ترکیه شرکت دارند و قرار است برای تاسیس بیمه اتکا، سه کشور مذکور، ابتدا ۳۰ میلیون دلار جهت تاسیس اولیه شرکت پرداخت نمایند.

استانداران دو کشور علت وجودی بازار ارباب زاره بسا قاچاق کالا بین دو کشور و همچنین توسعه اقتصادی منطقه عنوان نموده اند.

تدریس وصیتنامه خمینی در مدارس و دانشگاهها

حداد عادل معاون امور پژوهشی وزارت آموزش و پرورش در گفتگو با خبرنگاران اعلام نمود که وصیت نامه خمینی جزء دروس اصلی بینش دینی دانش آموزان سال دوم دبیرستان قرار میگردد. او گفت که "این امر با توجه به کمی وقت به منظور بالا بردن سطح آگاهی دانش آموزان کشور و آشنایی آنها با مسائل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی صورت گرفت و تا بحال موفق شده ایم دو سوم وصیتنامه الهی- سیاسی حضرت امام را از لحاظ آموزشی برای کلاس سوم دبیر-ستان آماده کنیم".

وی در ادامه حرفهایش همچنین گفت که "بخشی از این وصیت نامه که تحلیلی از انقلاب اسلامی است به صورت يك درس برای مراکز تربیت معلم سراسر کشور در نظر گرفته شده که بصورت رسمی در سال تحصیلی آینده به دانشجویان تدریس میشود".

بورسی یلتزین

فراکسیون رادیکالها در شورای عالی اتحاد شوروی را معرفی می کند

تحولات جدید در لهستان

دروازه های آخر اجلاس اخیر کنگره خلق اتحاد شوروی، قریب ۲۵۰ نفر از نمایندگان اقدام به تشکیل یک فراکسیون نمودند. این عده که گروه خود را "گروه بین منطقه ای" نامیده اند در انتخابات درونی خود پنج نفر را بعنوان هیئت رهبری برگزیدند. از آن جمله اند بورسی یلتزین (عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست و دبیر سابق کمیته حزبی مسکو) و آندره ساخاروف. یوری آفاناسیف که از دیگر اعضای این گروه است در تشریح چگونگی تشکیل این گروه گفت که این گروه اساساً برای پیشبرد رادیکال پروترویکا و مقابله با مفاو متهای محافظه کاران شکل گرفته اما از آنجا که گورباچف تاکنون مقابله قطعی و نهائی را با محافظه کاران

انجام نداده، این گروه بتوسی در مخالفت با گورباچف، نیز قرا میگیرد. او تا کید کرد که گورباچف با بد تصمیم نهائی خود را بگیرد. میخائیل گورباچف در برابر ادعای بخشی از این گروه که تا آنسرا "رادیکال چپ" نهاده اند گفت که این برخورد و این گونه نامگذاری صحیح نبوده و چنین میشناید که آنها که در گروه شرکت نکرده اند، "راست" محافظه کارند در حالیکه این با واقعیت تطبیق نداشته و بتگونه مرز بندی مصنوعی به مصلحت نیست. بورسی یلتزین که بیشترین رای را در انتخابات هیئت رهبری این گروه را بزرگدید، مختصات و اهداف گروه را معرفی کرده که ما آنرا به نقل از مجله عصر جدید به اطلاع خوانندگان میرسانیم.



– تضمین حق شهروندان شوروی به ایجاد سازمانهای سیاسی و جوانان و عمومی

– تأیید حق قانونی اعتصاب، تجمع و تظاهرات

– تضمین حق حاکمیت جمهوریهای عضو اتحاد شوروی، تجدیدنظر در جایگاه قانونی جمهوریها، سرزمینها و مناطق خود مختار.

– برقراری حقوق هر گروه از شهروندان شوروی برای انتشار روزنامه و مجلات و ایجاد دینگاههای انتشاراتی

– خاتمه دادن به انحاد دولت برادر دیووتلوویزیون

– اصلاح رادیکال سیستم انتخاباتی

– برقراری اصول عدالت اجتماعی

– وپاره ای درخواستهای مهم دیگر.

گروه ما در آینده نزدیک بر روی کار ریسترای دومین کنگره نمایندگان خلق متمرکز خواهد شد. با این هدف که مجموعه پیشنهادها را به آن ارائه دهد.

ما به انتشار روزنامه خود، "نماینده مردم" خواهیم پرداخت. یک حساب بانکی نیز برای گروه ما زکرده ایم: ژیلزوتزبانک، شعبه مسکو، حساب شماره ۷۵۰۵۹۶ (ترجمه از "عصر جدید"، چاپ مسکو، شماره ۳۲، ماه اوت ۱۹۸۹)

"هم اکنون گروه بین منطقه ای نمایندگان مردم (دشورای عالی) شکل گرفته، شورای هماهنگی و پنج رهبر مشترک آن انتخاب شده اند. گروه در نظر دارد که برای موضوعات مورد بحث در شورای عالی اتحاد شوروی به تهیه پیشنهادها و آلتشنا تیویزداخته و از آنها در برابر رلمان دفاع کند. این اقدام ویژه هم اکنون اهمیت دارد، زیرا جامعه ما بوضوح درمی یابد که برای یافتن راه خروج از بحران می بایست همه نظرات را بررسی و مقابله نماییم. ما امیدواریم که ابتکار ما دینا میزمنوینی به کارگردد با رلمان شوروی داده و انتخابات تصمیمات سنجیده و دمکراتیک را تضمین نماید.

گروه ما خیال ندارد که با کسی مخالفت کند، برعکس ما همه کسانی که از اتخاذ تصمیمات مبهم و آرا مبش (موقت) کنونی ناراضی بوده و نسبت به خطر فشار رنبروهای محافظه کار رودگما تیک نگران هستند را به همکاری دعوت میکنیم.

کارها به اهداف گروه ما عبارتند از:

- متمرکز نمودن اقتصاد درونی رفع نیازهای زحمکشان
- پایان دادن به تمرکز اموال دولتی و بازگرداندن آنها به زحمکشان
- صدور یک فرمان ویژه که قانوناً نقش شوراها را نمایندگان خلق را به عنوان تنها منبع قدرت سیاسی تثبیت کند

شوروی

نزدیک به ۱/۵ میلیون نفر از مردم جمهوریهای بالتیک بهمناسبت پنجاهمین سالگرد انعقاد پیمان عدم تجا و زبین شوروی و آلمان نازی، به راهپیمائی اعتراضی دست زدند. هم اکنون در راه پیمان مزبور و نیز یک پروتکل محرمانه الحاقی که گویا در آن تقسیم لهستان و جمهوریهای بالتیک مورد توافق قرار گرفته بود، بحثهای مهمی در اتحاد شوروی جریان دارد. اخیراً یکی از مشاورین برجسته گورباچف، بنام فالین اظهار داشته است که مباحثات فوق بهیچنسه

در چند هفته گذشته، تصمیم دو حزب مؤتلف حزب متحد کارگران لهستان، حزب دمکراتیک و حزب دهقانان به مذاکره با "کمیته شهروندان همبستگی" برای تشکیل دولت ائتلافی و بحران متعاقب آن، یکی از مهمترین مسائل سیاسی روز بوده است. چرخش دو حزب مزبور از تزلزلاتی که آنها در انتخاب ژنرال گیوزا که بعنوان نخست وزیر در پارلمان لهستان از خود نشان دادند، چندان غیر مترقبه نبود. آنچه که محور اصلی بحران سیاسی را تشکیل می داد، این موضوع همبستگی بود که خواهان کنار گذاشتن کمونیستها از دولت است با اصطلاح راندن آنها به اپوزیسیون بود. مانور مزبور اساساً با هدف امتیاز گیری و نیز تشدید بحران حزب و نه هیچ چیز دیگر صورت می گرفت، زیرا همبستگی بخوبی می دانده که در شرایط کنونی و نه حتی در آینده قابل پیش بینی، تعادل قوای سیاسی در لهستان به وی اجازه نخواهد داد که خارج از چارچوب توافقات "میزگرد" که بر طبق آن موقعیت ژئوپولیتیک

لهستان، تعلق وی به پیمان ورشو و کومکون-ونیز نظام اجتماعی موجود دستخوش تغییر نخواهد شد، حرکت کند. با این همه اقدام دو حزب ائتلافی مزبور در مذاکره با همبستگی، به جریان اخیر فرصت داد که بیشترین امتیاز ممکن از کمونیست ها دریافت کند. این امتیاز تشکیل دولت ائتلافی متشکل از همه احزاب سیاسی- چیزی که همواره پس از "میزگرد" مورد تقاضای کمونیستها بوده است به رهبری همبستگی بود.

موضع حزب متحده کارگران لهستان و خودداری آگاهانه گرایشات مختلف درون آن از افتادن به دام تحریکات، همبستگی را مجبور به عقب نشینی نمود. این جریان که میخواست ضمن با اصطلاح راندن کمونیستها به اپوزیسیون، در عین حال دوپست مهم وزارت دفاع و وزارت کشور را به آنها واگذار کند در مقابل دو اقدام همبستگی حزب در تنگنا قرار گرفت. اقدام اول عبارت بود از تصمیم پلنوم کمیته مرکزی حزب به ادامه سیاست ائتلاف بزرگ و تقسیم کرسی های وزارت بر اساس نیروی هر حزب. سیاست مزبور حاوی پیام روشنی به رهبران همبستگی بود: مقررات بازی پارلمانی در چارچوب توافقات میزگرد نباید رعایت شود، بنابراین یا لغو توافقات مزبور-امانه به ابتکار کمونیستها، بلکه به ابتکار همبستگی-ویایک ائتلاف سیاسی جدی. پس از این موضع گیری یونکه رهبران همبستگی به دست و پا افتاد و به مذاکره جدی با رهبران حزب برای تشکیل دولت پرداختند. بر زمینه فعل و انفعالات فوق باید به نکات مهم زیر نیز توجه داشت: بلافاصله قبل از اجلاس کمیته مرکزی، اجلاس رهبران حزبی کارخانه های بزرگ برپا شده و در آن برای آماده نمودن حزب برای درگیری جدی در صورتی که همبستگی به بازی خود ادامه دهد، اقداماتی صورت گرفت.

اما اقدام مهم دوم، دادن امتیاز به همبستگی برای بعهده گرفتن رهبری دولت ائتلافی بود که با دعوت از اساتذ و ژنرالها و یسکی از رهبران همبستگی و از وابستگان به کلیسای کاتولیک برای تشکیل دولت رسمیت یافت. اهمیت این اقدام در این بود که چنانچه همبستگی همچنان مانور خود را ادامه می داد مجبور می شد که علناً و رسماً خواهان به هم خوردن توافقات میزگرد شود و دقیقاً در این نکته مهم است که اختلافات حادی در همبستگی وجود دارد. مثلاً آدام میخنیخ از رهبران همبستگی و نیز مازویسکی-نخست وزیر آینده لهستان- از همان آغاز با ادعاهایی نظیر تشکیل "ائتلاف کوچک" و راندن کمونیستها به اپوزیسیون مخالف بودند. فرادخیر پس از شروع مذاکرات با کلیه احزاب برای تشکیل ائتلاف بزرگ، اظهار داشت که "تلاش برای راندن کمونیستها به اپوزیسیون، تله خطرناکی

بدهست کسانی است که میخواهند مرزهای کنونی را رویای زرقی را شنبیر بدهند. کمیسون منتصب شورای عالی اتحاد شوروی جهت بررسی این پیمان به ریاست الکساندریا کولوف، مسئول روابط بسسط بین المللی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، اعلام کرد که چنین پروتکلی بین آلمان و شوروی وجود داشته و بسن چنین پیمان نامهای، نقض سیاست لسنسی حاکمیت ملل بر سر نوشت خویش بود است.

از عالم هنر و ادبیات

موفقیت دو فیلمساز ایرانی

با پایان یافتن جشنواره فیلم ملل" اطریش که از ۲۲ تا ۳۰ خرداد در شهر ایزنه برگزار گردید، اعلام گردید که دو فیلم کوتاه ایرانی با نامهای "عکس العمل" ساخته اسماعیل براری و "آستان" اثر علیرضا قاروریانی موفق به کسب مدال نقره گردیدند. فیلم "آستان" علاوه بر آن موفق گردید جایزه ویژه دفتر کارگران و کارمندان اطریش را با خطی برداخت زیبا از رابطه کاروانسان تماشا کند. "جشنواره فیلم ملل" که همه ساله برگذار میگردد به فیلمهای هشت و شانزده میلیمتری اختصاص دارد.

تفاضا برای چاپ کتاب مجمع الجزایر گولاک

نویسندگان شوروی در آخرین نشست اتحادیه نویسندگان شوروی به اتفاق آراء خواستار چاپ کتاب مجمع الجزایر گولاک اثر "لکساندر سولژنیسین" شدند.

کتاب مذکور پس از آنکه بعنوان یک اثر انحرافی و تحریف تاریخ در شوروی ممنوع الانتشار گردید، در سال ۱۹۷۴ بدین حال چاپ آن در غرب، به اعتراف دستگیری و تسعید نویسنده شد. بدین حال این عمل از سوی سلب تابعیت گردیده و دشمن کمونیسم معرفی گردید.

هم اکنون "سولژنیسین" ۷۰ ساله در آمریکا زندگی میکند.

مرگ گیلین، شاه عرملی کوبا

گیلین شاه عرملی کوبا و پسر او از رهبران آمریکایی لاتین روز ۲۵ تیر ماه ۸۷ سالگی در هاوانا در گذشت. گیلین، شاه عرملی که در سال ۱۹۶۴ از طرف دولت کوبا عنوان شاه عرملی به وی اعطاء شد، در جنگهای داخلی اسپانیا در کنار فرودا، لوی آراگون، آندره مالرو، همینگوی و... بنفع جمهوریخواهان شرکت فعال داشت. گیلین از افرادی بود که احداث سبزه عنوان برده از آفریقا به آمریکا آورده شده بود. بر این اساس بردهگان آفریقای دستم به اکثر اشعار و آثار او را تشکیل میدهند.

"کمپانی هند شرقی"، "اصوات بکر" و "مسند دارم" از کتابهای مشهور گیلین می باشند.

کلمبیا

سدن ل قتل لوشین کارلس گالان، کاندیدای حزب لسمرال برای ریاست جمهوری که توسط باندهای قاچاقچیان کوکا کین صورت گرفت و نیز اعلام جنگ علی این باندها به دولت، اقدامات وسیعی بر علیه قاچاقچیان شروع شده است. در عرض چند روز اول حدود ۱۲۰۰۰ نفر دستگیر و بیش از ۶۰۰ قبضه اسلحه، ۱۰۰۰ کامیون، تعدادی هواپیما و هلیکوپتر و بسیاری از مناطق ویاگاهاها باند ه های قاچاقچیان بدست نیروهای دولتی افتاد. این مسئله نشان میدهد که تبهکاران مزبور که خود دست در دست جوخه های مرگ داشته و تاکنون صدها نفر از افراد بوزیسیون ترفیخواه را به قتل رسانده اند، اساسا تاکنون از سوی دولت تحمل نشده اند و استکاء به نفوذی که در دولت داشته و بویژه خریدن احزاب و رهبران آنها، توانسته اند مثل اختاپوس رشد کنند.

اخبار رگوتاه خا رچی

در لهستان یک دولت ائتلاف بزرگ برهبری تا دوزما زویسکی از رهبران همبستگی و با شرکت کلیه احزاب تشکیل شد.

در آفریقای جنوبی، بوتو رئیس جمهور قبلی از ایابان دوره ریاست جمهوری استعفا نموده و بجای وی دکلاک انتخاب شد. وی آخرین شانس بورژوازی این کشور برای نجات تلقی میشود.

ارتش هندوراس به محاصره اردوگاههای کنترال در این کشور پرداخت تا آنها در خارج از توافقات بین شش دولت آمریکای لاتین عمل نکنند.

اعصاب زندانیان سیاسی ترکیه پس از ۵۲ روز با پیروزی زندانیان خاتمه یافت، در عین حال سخنگوی وزارت دادگستری ترکیه اعلام نمود که دولت زندانیان را به عقب نشینی مجبور کرده است.

دولت ترکیه مرز خود را با بلغارستان بست تا از ورود مهاجرین ترک ساکن بلغارستان جلوگیری کند.

در بیست و یکمین سالگرد بنیاد ربراک، تظاهرات محدودی در این شهر توسط مخالفان برگزار شد که توسط دولت با آن مقابله شده و تعدادی دستگیر شدند. روزنامه یوستیازگان دولت شوروی در مقاله ای بمناسبت این روز از دخالت نیروهای پیمان ورشو در سال ۶۸ در چکواکی انتقاد کرد.

حزب کمونیست شیلی تصمیم گرفت که در انتخابات ریاست جمهوری این کشور به کاندیدای مسیحی دمکرات مسیحی، آپلویین رای دهد.

تاکنون چند هزار نفر از شهروندان آلمان دمکراتیک که خواهان مهاجرت به غرب می باشند، به طور غیرقانونی از مرز مجارستان با اتریش گذشته و به آلمان فدرال پناهنده شده اند. دولت مجارستان به تعدادی از شهروندان مزبور که در سفر آلمان فدرال تحصن نموده اند، اجازه داد که از مجارستان خارج شوند.

برای لهستان است. وی البته در این مورد که "تله" مزبور به ابتکار چه کسانی ایجاد میشود، سکوت قابل فهمی اختیار نمود: در آستانه تشکیل دولت، همبستگی باید وحدت خود را حفظ کند و با گرایشهای ضد کمونیستی درون خود درنیافتد! وی همچنین پذیرفت که نمی توان تنها دو بیست و هفت وزارت را به کمونیست داد، در حالیکه آنها بزرگترین فراکسیون پارلمانی ائتلاف بزرگ هستند.

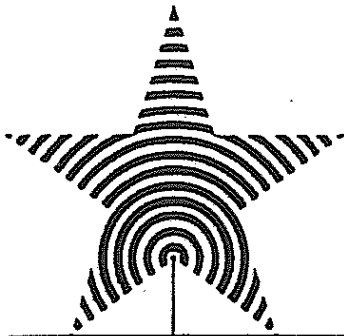
در آینده نزدیک معلوم خواهد شد که همبستگی تاجه جدیدی مقررات بازی پارلمانی وفادار خواهد ماند، اما از هم اکنون می توان بحرانهای سیاسی ریز و درشت دیگری را پیش بینی کرد. در حالیکه بویژه پس از افزایش قیمت مواد غذایی، اعتصابات روزمره وسیعی در لهستان جریان دارند، رهبران همبستگی از همین حالا به کارگران می گویند که اعتصاب ممنوع و گسارزار وسیعی بر علیه سازمانهای پایه حزب متحد کارگران لهستان، اتحادیه کارگری وابسته به آن و نیز بوروکراسی دولتی را آغاز نمودند. تردیدی نیست که بوروکراسی مزبور با یاد اساسا بر چیده شود، اما اگر آنطور که پلنوم کمیته مرکزی حزب تاکید نموده است رفرفهای اقتصادی باید با رعایت اصل "عدالت اجتماعی" همراه باشند، آنگاه می توان گفت که کمونیستهای لهستان فرصت مناسبی برای اعاده اعتبار خود نزد توده های کارگری یابند. دفاع از منافع کارگران فقر زده در بالا در دولت و در پائین در اتحادیه هلد مقابل رفرفهای احیاناً ضروری و اجباری - اقتصادی که می تواند به رشد یک بخش خصوصی نوکیسه وانگلی که هم اکنون نیز وجود دارد - سرعت عظیمی بدهد. بگذار هر کسی سهمی در حل بحران اقتصادی بسمه بگیرد، حل این بحران اما نیاید به خرج کارگران تمام شود، در واقع اگر کمونیستهای لهستان به کارگران وفادار بمانند و در عین حال خود در پیس راندن بوروکراسی انگلی و دادن ادارات بنگاههای تولیدی به کارگران پیش قدم شوند، می توان گفت که در "اپوزیسیون" - در پائین - قرار خواهند گرفت. اپوزیسیون که وظیفه خارج نمودن توده های کارگران از هژمونی همبستگی و کلیسا را بعهده گرفته است (حزب کارگران متحد راه دیگری جز مبارزه ندارد و باید تاوان سالها انحراف و همچنین لختی در سازماندهی حزب و بی اعتمادی و بی توجهی به کارگران و زحمتکشانشان را از طریق مبارزه حاد و بیگیر کنونی بپردازد. همه چیز به اینس مبارزه بستگی دارد.

مجارستان

حزب سوسیالیست کارگران مجارستان

در سندی که بمناسبت کنگره آینده خود انشاستان زده خطوط آینده سیاست خود را به نحو پرروش نمود: .. انتقال مسالمت آمیز به سوسیالیسم کمکراتیک و وحدت دادن ارزشها و آرمانهای سوسیالیست کمکراتیک و کمونیستی در دوران حزب. مبارزه برای انحلال پیمانهای نظامی ناتو و ورشو و خروج نیروهای نظامی بیگانه از اروپا. ایجاد یک دولت متحدی بر قانون، که در آن احزاب مختلف فعالیت آزادانه داشته باشند و با یکدیگر رقابت کنند.

ایجاد یک اقتصاد با اشکال مختلف مالکیت نظیر مالکیت دولتی، کثورتیو، مالکیت شرکتی خاص رچی و مالکیت خصوصی کوچک که در آن سوسیالیست دولتی حذف شود. رفرف در آموزش و پرورش، بهداشت و ...



صدای کارگر

راه پوی سازمان کارگران انقلابی ایران در تهران

★ برنامه های سراسری صدای کارگر:

هر شب ساعت ۸/۵ روی موج کوتاه
ردیف ۷۵ متربرابر با ۴ مگاهرتز پخش میشود.
این برنامه ساعت ۶/۵ صبح روز بعد تکرار
میکرد.

★ جمعه ها برنامه ویژه پخش میشود.

★ برنامه های صدای کارگری ویژه کردستان:

✦ روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه ساعت
۶ بعد از ظهر به زبان کردی و فارسی روی موج
کوتاه ردیف ۷۵ متربرابر با ۴ مگاهرتز پخش
میشود. همین برنامه روزهای یکشنبه، سه
شنبه و پنجشنبه ساعت ۶ تکرار میگردد.
✦ جمعه ها ساعت ۹ صبح برنامه ویژه
پخش میشود. این برنامه ساعت ۶ بعد از ظهر
جمعه تکرار میشود.

ALIZADI B.P.195
75564 PARIS - CEDEX 12
FRANCE

POSTFACH 650226
1 - BERLIN 65

محکومیت مجدد ایران در کمیسیون

حقوق بشر سازمان ملل

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در آخرین اجلاس خود به مسأله نقض حقوق بشر در ایران رسیدگی کرد. این بررسی جهت تهیه گزارش برای مجمع عمومی سازمان ملل بود. در این بررسی کمیسیون حقوق بشر با اکثریت قاطع آرا نقض حقوق بشر در ایران را مورد تأیید قرار داد. همچنین کمیسیون علاوه بر ذکر موارد متعدد اعدام زندانیان سیاسی ایران به اعدام متهمین مربوط به مواد مخدر اشاره کرده و اعلام کرد که تعداد بسیاری از زندانیان و فعالین سیاسی ایرانی با اتهام واهی قاچاقچی مواد مخدر اعدام شده اند. کمیسیون در این گزارش با لحن شدید و بی سابقه ای حکومت اسلامی را محکوم کرد.



سازمان کارگران انقلابی ایران در تهران

ترور جنایتکارانه غلام کشاورز را محکوم میکنیم

عصر شنبه، چهارم شهریورماه، غلام کشاورز (بهمن جوادی)، از کادرهای اصلی حزب کمونیست ایران توسط تروریستهای جمهوری اسلامی به شهادت رسید.

ترور غلام کشاورز در لارناکا، که به فاصله یک ماه پس از ترور دکتر عبدالرحمان قاسملو و همراهانش در وین، انجام گرفت، نشاندهنده دامنه دار بودن برنامه های تروریستی رژیم اسلامی علیه نیروهای سیاسی در خارج از کشور است. جزئیات برنامه ریزی سران رژیم در این زمینه هر چه باشد، جوهر برنامه های آنها و هدف از اجرای آن کاملاً آشکار است. برنامه ای که با کشتار زندانیان سیاسی در داخل کشور آغاز شد اینک با ترور رهبران سازمان های سیاسی در خارج از کشور پی گرفته میشود. لرنائی و بی ثبات بودن حکومت، وحشت از رخداد غیر قابل پیش بینی و کنترل حوادث بزرگ سیاسی را همواره بطور اجتناب ناپذیر برای فقها بدنبال دارد، و همین وحشت است که آنان را و میدارد تا در زندانها به قتل عام بی سابقه و وسیعی دست زنند و بلافاصله در تکمیل برنامه کشتار رهبران طبیعی و عملی جنبش انقلابی، در خارج از کشور نیز به ترور رهبران سازمانهای انقلابی و مبارز و چهره های شناخته شده ی جنبش بپردازند.

فقط برنامه ی ده ساله ی دوم حکومتشان را بر کشتار خون نقش کرده اند تا آرامش لازم برای حکومت کردن را بدست آورند؛ اما بدیهی ست که هر لحظه بیشتر بذر کینه میکارند! در همین چند روز اخیر پس از ترور دوتن از رهبران حزب دمکرات کردستان ایران، نیروهای جنبش مقاومت خلق کرد در منطقه سقزو در مسیر جاده ی کرمانشاه سنج، چندین عملیات گسترده و حمله آفرین را به اجرا گذاشته و پس از به هلاکت رساندن خیل وسیعی از مزدوران رژیم، منطقه را ترک کردند. اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی و کشتار ناجوانمردانه ی رهبران نیروهای سیاسی، قطعاً آتش کینه و خشم انقلابی نیروهای جنبش انقلابی را علیه رژیم اسلامی شعله و رتر ساخته و بطور بی واسطه، مبارزه ی سرسختانه و غرور انگیز آنان را تشدید میکند. این مبارزه میباید با همکاری فعال همه نیروهای انقلابی به یک کارزار همه جانبه سراسری تبدیل شود. فقط راه چاره را در سربسته کردن رهبران جنبش انقلابی میدانند و جنبش نیز باید در برابر جنایات جمهوری اسلامی مقاومت شایسته ای را سازمان دهند. سازمان ما ضمن محکوم کردن ترور جنایتکارانه بهمن جوادی و تسلیم به تمام اعضا و فعالان حزب کمونیست ایران، یکبار دیگر ضرورت اتحاد عمل همه سازمانها و شخصیتهای انقلابی را در مقابل اقدامات جنایتکارانه جمهوری اسلامی در داخل و خارج از کشور و افشا گسترده و فعال این جنایات، یادآوری میکند.

مرکز بر جمهوری اسلامی ایران!

زنده باد آزادی زنده باد سوسیالیسم!

دفتر سیاسی کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۱۳۶۸/۶/۵

اقدامات اعتراضی به مناسبت سالگرد آغاز

کلن:

تجمع در مقابل ساختمان رادیو و تلویزیون کلن - راه -
پیامی تا کلیسای دم

روز جمعه اول سپتامبر بمناسبت سالگرد آغاز بزرگترین قتل عام تاریخ معاصر کشورمان از زندانیان سیاسی قبرمان ایران توسط رژیم خون آشام اسلامی، برای اعتراض به رسانه های جمعی آلمان که پس از روی کار آمدن رفسنجانی، بسا تبلیغات خود به توهم اینک، گویا شرایط زندگی مردم ایران بهتر خواهد شد و اختناق و سرکوب کاهش پیدا خواهد کرد، دامن میزنند و تصدیق افکار عمومی مردم آلمان را دارند در حالیکه رفسنجانی و خائنه های از اول روی کار آمدن رژیم اسلامی از گردانندگان اصلی آن بوده و در کشتار هائیکس تعیین کننده داشته اند، رفقای مادر کلن در مقابل ساختمان رادیو - تلویزیون (WDR) گرد آمدند. آنها با پلاکاردها اعلامیه ها و بیانیه، تداوم فشار و قتل عام زندانیان را افشا کرده و مطرح ساختند که هم اکنون زنان زندانی در خطر اعدام قرار دارند. سه تن از نمایندگان رفقای داخل ساختمان رفته و خواسته های خود را که از جمله قطع اعدام و شکنجه و قطع رابطه اقتصادی و سیاسی با دولت جنایتکار ایران بود مطرح نمودند و سپس در حالیکه شعار میدادند و چهره تروریست رژیم اسلامی را افشامیکردند تا کلیسای بزرگ کلن (دم) راه پیمائی کردند.

قتل عام زندانیان سیاسی

برلین غربی:

روز شنبه دوم سپتامبر در برلین غربی به همین مناسبت و به دعوت "کمیته برگزاری تظاهرات برای همبستگی با خانواده شهدا و زندانیان سیاسی در سالگرد کشتار جمعی در زندانهای جمهوری اسلامی ایران" یک راه پیمائی انجام شد. راه پیمایان در طول مسیر در چند جا که محل های پسر رفت و آمد بود، به خواندن بخش هایی از بیانیه و قطعنامه در انشای جنایات جمهوری اسلامی پرداختند. خواستهای تظاهرات، نطق سنگسار زنان، محکومیت رابطه اقتصادی و سیاسی آلمان با ایران، قطع اعدام و شکنجه و آزادی تمام زندانیان سیاسی در ایران بود. در طی تظاهرات اعلام شد که بیس روزهای ۱۰ شهریور، تظاهراتی از طرف خانواده های زندانیان سیاسی و شهدا در بهشت زهرا برپا گردید، که چندین نفر دستگیر شده و پاسداران تیراندازی نموده اند.

